سیمای نماز

استاد حسین انصاریان

بسم الله الرحمن الرحیم

سیمای نماز

نویسنده:

حسین انصاریان

ناشر چاپی:

حجت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

سیمای نماز

مشخصات کتاب

سرشناسه : انصاریان حسین - ۱۳۲۳ عنوان و نام پدیدآور : سیمای نماز/ حسین انصاریان مشخصات نشر : اصفهان نشر حجت ۱۳۷۱. مشخصات ظاهری : ص ۱۷۴ یادداشت : کتابنامه ص ۱۷۴ - ۱۷۳ ; همچنین به صورت زیرنویس موضوع : نماز رده بندی کنگره : PB۲/۶۸۱ /الف ۴۸س ۹ ۱۷۳۱ رده بندی دیویی : ۳۵۳/۷۹۲ شماره کتابشناسی ملی : م ۲۷-۰۸۴

پیشگفتار

نماز اساسی ترین رشته ی الفت و عالی ترین عامل محبّت بین بندگان و حضرت حقّ است

نماز نور دل و صفای قلب و روح جان و سلامت روان و فروغ ذات عباد صالح خداست .

نماز واسطه ی محکمی است که تمام هستی انسان را به ملکوت هستی پیوند می دهد و به مانند آن ، برنامه ای را برای ربط دادن آدمی به حقّ و حقیقت نمی توان یافت .

نماز پناه بی پناهان ، سنگر جهادگران ، گلستان روح افزای عاشقان ، چراغ سحر مشتاقان ، نور وجود عارفان ، آرامش دل بینایان ، و سیر کمالی آگاهان است .

نماز زنده کننده ی جان ، ظهور دهنده ی حیات جاودان ، راز و نیاز دردمندان ، روشنی راه رهروان ، نور دیده ی بیداران ، سرمایه ی مستمندان ، دوای درد بی دردان ، نوای دل بی دلان ، دلیل گمراهان ، امید امیدواران ، سرّ حقیقی سحرخیزان ، سوز دل سوختگان ، حرارت روح افسردگان ، مایه ی بقای جان ، و دستگیره ی نجات انسان از تمام مهالك است .

نماز برتر از همه ی عبادات ، جامع تمام کمالات ، منعکس کننده ی کلّ واقعیّات ، منبع برکات ،

و کلید قفل تمام مشکلات است .

نماز خمیر مایه ی حیات ، تزکیه کننـده ی صـفات ، علاج زشت ترین عادات ، آورنـده ی حسـنات ، تبدیل کننده ی سیّئات ، باعث کرامات ، منبع فیض و افادات ، نگهدارنده ی انسان از حادثات ، مانع سانحات ، و حقیقت کائنات است .

نمـاز عشق سـالکین ، عبادتی آتشـین ، کاری بی قرین ، بهترین معین ، خورشـید اهل زمین ، مونس اصـحاب دین ، امنیّت جان غمین ، و رحمت واسعه ی حضرت ارحم الرّاحمین است .

نماز واقعیّتی روحانی ، امر واجب حضرت سبحانی ، نفخه ی رحمانی ، جان انسانی ، و نور یزدانی است .

نماز هویّت ایمان ، حقیقت جهان ، طریقت جان ، قدرت انسان ، و مایه ی بهشت و رضوان است .

نماز چشـمه ی زمزم روح ، ساغر معنوی صبوح ، فتح الفتوح ، توبه ی نصوح ،حضرت حق را ممدوح ، اجمال قرآن را مشروح ، و در طوفان حوادث کشتی نوح است .

بدون نماز خود را اهل حقّ و حقیقت مدان و رسیدن فیض خاص الهی را به سوی خود توقّع مدار .

اکسیر وجود منهای نماز بی سود است ، بی خبران از نماز بی خردانند و فراریان از این مقام گرفتار دام شیطانند .

ثروتمنـدانِ بی نماز فقیرنـد و تهیدسـتانِ با نماز از همه مسـتغنی تر . حقیقت و واقعیت همان است که عارف شوریده ی الوند ، حضرت باباطاهر ، فرموده :

خوشا آنان که اللّه یارشان بی

که حمد و قل هو اللّه کارشان بی

خوشا آنان که دائم در نمازند

بهشت جاودان بازارشان بی

زمانی که برنامه ی نوشتن رساله

ای در مسئله ی نماز به این فقیر پیشنهاد شد گمان نمی بردم با کثرت مشغله ای که در جهت تبلیغ و نوشتن شرح صفحه ی

سجّادیه تحت عنوان دیار عاشـقان و نیز امور اجتماعی داشـتم ، بتوانم از عهـده برآیم ، ولی توفیق حضـرت ربّ رفیق راه شد تا در حـدّ اسـتعداد و توان به پژوهش در این حقیقت عظمیه ی الهیّه برخیزم و آنچه را می توانم از کتاب الهی و گفتار معصومین در اختیار برادران و خواهران مسلمان بگذارم .

اینک از تفصیل دادن مقدّمه چشم پوشیده و با مرکب عشق و شوق آماده ی پرواز به فضای لایتناهی این عرصه گاه معنوی می شوم تا نماز را در فصولی چندتقدیم محضـر عاشقان و علاقمندان کنم ،باشد که نمازگزاران بیش از پیش به این عمل ملکوتی توجّه کنند ، و اگر کسی خدای ناخواسته جدای از نماز است بامطالعه ی این سطور به نماز روی کند و خویش را از خزی دنیا و عذاب آخرت برهاند .

حسین انصاریان

ارزش و عظمت نماز

قسمت اول

بی تردید ، در میان عبادات و مسائل معنوی و ملکوتی ، نماز از ارزش و اهمیّت خاصّی برخوردار است .

به اندازه ای که به نماز سفارش شده به چیزی سفارش نشده است .

نماز وصیّت حضرت حق ، و انبیا و امامان ، و عارفان و عاشقان ، و ناصحان و حکیمان است .

کتابی از کتاب های آسمانی حق خالی از آیات مربوط به نماز نیست .

از برنامه های بسیار مهمّ کتاب های عرفانی و اخلاقی و مخصوصاً کتب حدیث ، نماز است .

معارف الهی ، انسان بی نماز را انسان نمی دانند ، و هر

بی نمازی را مستحقّ عذاب ابد و محروم از بهشت دانسته و بلکه جدای از نماز را حیوانی پست و موجودی تهیدست و تیره بختی بیچاره به حساب می آورند .

نماز در زندگی و حیات انسان به اندازه ای ارزش دارد که اولیای الهی برای یک لحظه از آن غافل نبودند و از هر راهی که ممکن بود دیگران را هم به این عبادت ملکوتی تشویق می کردند .

نماز با این که به غیر مکلّف واجب نیست ولی به خاطر ارزش و اهمّیّتی که دارد امامان معصوم دستور می دادند که فرزندتان را از شش هفت سالگی به جهان نماز ببرید و آنان را به سفر در این عرصه گاه معنوی تشویق کنید :

* عَنْ مَعاوِیَهَ بْنِ وَهَب قالَ : سَأَلْتُ اَباعَبْدِاللّهِ(علیه السلام) فی کَمْ یُؤْخَذُ الصَّبِیُّ بَالصَّلوهِ ؟ فَقالَ : فیما بَیْنَ سَبْعَ سِنینَ وَ سِتَّ سِنینَ(۱) .

معاویه بن وهب که از بزرگان اصحاب امام ششم است از حضرت باقر (علیه السلام)می پرسد : در چه زمانی کودکان خود را متوجّه نماز کنیم ؟ حضرت می فرماید : در هفت و شش سالگی .

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِم عَنْ اَحَدِهِما (علیهم السلام) فِی الْصَبِیِّ مَتی یُصَلّی ؟ قالَ : اذا عقل الصَّلوهَ . قُلْتُ : مَتی یَعْقِلُ الصَّلوهَ وَ تَجِبُ عَلَیْهِ ؟ قالَ لِسِتَّ سنین(۲) .

محمّد بن مسلم که از یاران بی نظیر امامان است ، از حضرت باقر یا حضرت صادق (علیهما السلام) می پرسد : کودک در چه زمانی نماز بخواند ؟ حضرت می فرماید : وقتی که نماز را بفهمد . عرضه می دارد : چه زمانی می فهمد تا خواندن

نماز بر او لازم باشد ؟ امام می فرماید : در شش سالگی .

عَنِ الْحَلَبی ، عَنْ اَبی عَبْدِاللهِ(علیه السلام) عَنْ اَبیهِ قالَ : اِنّا نَأْمُرُ صِبْیانَنا بِالصَّلوهِ اِذا کانُوا بَنی خَمْسِ سِنینَ ، فَمُرُوا صِبْیانَکُمْ بِالصَّلوهِ اِذا کانُوا بَنی سَبْعِ سِنینَ .

حلبی از راویان بزرگوار شیعه است از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که حضرت از پدر بزرگوارشان امام باقر (علیه السلام) روایت می کنند که ما فرزندانمان را در سن پنج سالگی به نماز امر می کنیم ، پس شما آنان را به وقت هفت سالگی به دنیای نماز حرکت دهید .

روایات بسیار مهمّ کتاب های پرارزش حدیث از سبک شمردن نماز شدیداً نهی می کنند :

عَنْ اَبی جَعْفَر (علیه السلام) قالَ : لا تَتَهاوَنْ بِصلوتَکَ فَاِنَّ النَّبِیَّ (صلی الله علیه وآله وسلم) قالَ عِنْدَ مَوْتِهِ : لَیْسَ مِنّی مَنِ اسْتَخَفَّ بِصَلوتِهِ ، لَیْسَ مِنّی مَنْ شَرِبَ مُسْکِراً ، لایَرِدُ عَلَیَّ

پاورقی

۱ وسائل الشیعه : ج ۳ / ص ۱۲ .

۲ وسائل الشیعه : ج ۳ / ۱۲ .

الْحَوْضَ لا وَاللهِ(۱) .

امام باقر (علیه السلام) می فرماید : نمازت را سبک مشمار ، به حقیقت که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به وقت مرگش فرمود : هرکس نماز را سبک انگارد از من نیست ، هر کس شراب بنوشد از من نیست ، و الله قسم کنار کوثر بر من وارد نمی شود .

قالَ الصّادِقُ (علیه السلام) :اَنَّ شَفاعَتَنا لاتَنالُ مُسْتَخِفّاً بِالصَّلواه(۲) .

امام صادق (علیه السلام) فرمود : آن که نماز را سبک بشمارد (و در نتیجه از خواندن آن محروم گردد یا همراه با شرایط بجا

نیاورد) به شفاعت ما نمی رسد .

* عَنْ اَبی عَبْدِاللّهِ (علیه السلام) قالَ : قالَ رَسُولُ اللّهِ (صلی الله علیه وآله وسلم) :لَيْسَ مِنّی مَنِ اسْتَخَفَّ بِالصَّلواهِ ، لايَرِدُ عَلَیَّ الْحَوْضَ لا وَالله(۳) .

امام صادق (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت می فرماید : از من نیست آن که نماز را سبک بشمارد ، و اللّه سبک شمارنده ی نماز کنار کوثر بر من وارد نمی شود .

قالَ الصادِقُ (علیه السلام) فی حَدیث : اِنَّ مَلَکَ الْمَوْتِ يَدْفَعُ الشَّيْطانَ عَنِ الْمُحافِظِ عَلَی الصَّلوهِ وَ يُلَقِّنُهُ شَهادَهَ اَنْ لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ وَ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللهِ فی تِلْکَ الْحالَهِ الْعَظيمَهِ(۴) .

امام صادق (علیه السلام) در روایتی فرمودند : ملک الموت به هنگام قبض روح ، شیطان را از آن که بر نمازش محافظت داشته دفع می کند تا نتواند به مسافر باایمان جهان آخرت ضرر برساند و در آن حالت هولناک ، شهادت به توحید و رسالت را به او تلقین می کند .

پاورقی

۱ وسائل : ۳ / ۱۵ .

۲ وسائل : ج ۳ / ص ۱۶ .

۳ وسائل : ج ۳ / ص ۱۶ .

۴ من لایحضره الفقیه : ج ۱ / ص ۴۲ .

* قالَ رَسُولُ اللهِ (صلی الله علیه وآله وسلم) : لاتُضَيِّعُوا صَلواتِکُمْ فَاِنَّ مَنْ ضَيَّعَ صَلواتَهُ حُشِرَ مَعَ قارُونَ وَ هامانَ ، وَ کانَ حَقاً عَلَی اللّهِ اَنْ يُدْخِلَهُ النّارَ مَعَ الْمُنافِقينَ(۱) .

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود : نماز خود را ضایع مکنید که ضایع کننده ی نماز با قارون و هامان محشور می شود ، و

بر خداوند لازم است او را همراه منافقان به آتش وارد کند .

عَنْ اَبی جَعْفَر (علیه السلام) قالَ : بَیْنا رَسوُلِ اللهِ (صلی الله علیه وآله وسلم) جالِسٌ فِی الْمَسْجِدِ اِذ دَخَلَ رَجُلٌ فَقامَ یُصَلّی فَلَمْ یَتِمَّ رُکُوعَهُ وَ لاسُجُودَهُ فَقالَ (صلی الله علیه وآله وسلم) : نَقَرَ کَنَقْرِ الْغُرابِ ! لَئِنْ ماتَ هذا وَ هکذا صَلوتُهُ لَیَمُوتَنَّ عَلی غَیْرِ دِینی(۲) .

امـام باقر (علیه السـلام) می فرمایـد : رسول خـدا (صـلی الله علیه وآله وسـلم) با گروهی در مسـجد نشسـته بودنـد ، مردی وارد مسـجد شـد و رکوع و سـجود نمـازش را ناتمـام بجای آورد ، به نحوی که وضع رکوع و سـجودش نماز را از حیثیت نماز می انـداخت . رسول خـدا فرمود : نوک زد ماننـد نوک زدن کلاغ (کنایه از اینکه نمازش را عجیب با عجله خوانـد آن چنان که گویی نماز بنود) ، چنان که مرد با چنین نمازی بمیرد با دین من نمرده است .

* قالَ الصّادِقُ (علیه السلام) : اَوَّلُ ما یُحاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلوهُ ، فَاِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ سائِرُ عَمَلِهِ ، وَ اِذا رُدَّتْ رُدَّ عَلَیْهِ سائِرُ عَمَلِهِ(۳) .

امام صادق (علیه السـلام) فرمود : اوّل برنامه ای که انسان به آن محاسبه می شود نماز است ، اگر پذیرفته شود بقیّه ی اعمال او نیز پذیرفته می شود ، و اگر مردود گردد سایر اعمال او نیز مردود می گردد .

پاورقی

۱ وسائل : ج ۳ / ص ۱۹ .

۲ فروع کافی : ج ۱ / ص ۷۴ .

۳ وسائل : ۳ / ۲۲ .

قالَ اَبوُعَبْدِاللهِ (علیه السلام) : صَلوه فَریضَه خَیْرٌ مِنْ عِشْرینَ

حِجَّةً ، وَ حِجَّةٌ خَيْرٌ مِنْ بَيْت مَمْلُوًّ ذَهَباً يُتَصَدَّقُ مِنْهُ حَتّى يَفْنى(١) .

امـام صـادق (عليه السـلام) فرمود : يـک نمـاز واجب از بيست حـج بهتر است ، و يک حـج بهتر است از خانه ای که پر از طلا باشد و تمام آن در راه خدا به صدقه برود .

عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قـالَ : سَـمِعْتُ اَبا عَبْـدِاللهِ (عليه السـلام) يَقُولُ : حِجَّةٌ اَفْضَلُ مِنَ الـدُّنْيا وَ ما فيها ، وَ صَـلوهُ فَريضَه اَفْضَلُ مِنْ اَلْفِ حِجَّه(٢) .

قسمت دوم

يونس بن يعقوب می گويـد : از حضـرت صاد (عليه السـلام) شـنيدم که می فرمود : يک حج برتر است از دنيا و هر چه در آن است ، و يک نماز واجب از هزار حج برتر است .

عَنْ اَبى عَبْدِاللهِ (عليه السلام) قالَ : اِنَّ تارِکَ الصَّلوهِ کافِرٌ .

از امام صادق (عليه السلام) روايت شده که فرمود : به حقيقت که ترک کننده ی نماز کافر است .

عَنْ اَبى عَبْدِاللهِ (عليه السـلام) عَنْ اَبيهِ عَنْ جابِرِ قالَ : قالَ رَسوُلُ اللهِ (صـلی الله عليه وآله وسـلم) : مابَيْنَ الْکُفْرِ وَ الْايمانِ اِلاّ تَرْکُ الصَّلوهِ .

امام صادق از حضـرت باقر (عليهما السـلام) از جابر از رسول خـدا (صـلی الله عليه وآله وسـلم) روايت می کند که : بين کفر و ايمان جز ترک نماز چيزی نيست .

محمّد بن سـنان از علل و فلسـفه ی مسائل الهی از حضرت رضا (عليه السلام) در ضمن يک نامه سؤال می کند ، امام هشتم در پاسخ به مسئله ی نماز می نويسند :

* نماز اقرار به ربوبيّت حضرت حقّ عزّوجلّ ، و نفی شريک از وجود مقدّس او ،

و ایستادن در پیشگاه عظمت آن جناب با ذلّت و مسکنت و خضوع

پاورقی

۱ فروع کافی : ج ۱ / ص

۲ وسائل : ج ۳ / ص ۲۶ .

و اعتراف ، و طلب آمرزش نسبت به گناهان گذشته ، و صورت به خاک نهادن در هر روز برا تعظیم در برابر عظمت آن وجود مبارک ، و اینکه عبد به یاد حق و جدای از تجاوز به حقوق الهی و خاضع و خاکسار و راغب به رحمت واسعه و خواهان زیاد شدن ایمان و وسعت رزق و مداومت بر ذکر در شب و روز است ، ونیز عبد سیّد و مولا و مدبّر و خالقش را فراموش نکند تا دچار شرّ و طغیان نگردد ، و نیز به وسیله ی نماز از انواع معاصی حفظ گردد و ازافتادن در دریای فساد مصون بماند(۱) .

در روایت صحیح بسیار مهمّی از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت شده که فرمود :

* روزی امین وحی برای ادای وحی به نزد من آمد . هنوز آنچه را که باید بر من بخواند تمامش را نخوانده بود که ناگهان آوازی سخت و صدایی هولناک برآمد . وضع فرشته ی وحی تغییر کرد ، پرسیدم : این چه آوازی بود ؟ گفت : ای محمد ! خدای تعالی در دوزخ چاهی قرار داده ، سنگ سیاهی در آن انداختند ، اکنون پس از سیزده هزار سال آن سنگ به زمین آن چاه رسید . پرسیدم : آن چاه جایگاه چه کسانی است ؟ گفت : از آنِ بی نمازان و شرابخواران(۲) !!

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)

فرمود :

* هر که نماز را ترک کنـد خدای تعالی او را به پانزده عقوبت مبتلا کند : شـش عقوبت در دنیا و سه عقوبت نزدیک مرگ و سه در قبر و سه در قیامت ،

اما شش عقوبت در زمان حیات :

۱. بی آبرو شود .

۲. برکت از مالش برود .

پاورقی

۱ علل الشرایع : ص ۱۱۴ .

۲ اسرارالصلوه شیخ عبدالحسین تهرانی : ص ۳۱ .

۳. عمر و ثروتش زیان نگردد .

۴. خیراتش قبول حق نشود .

۵. دعایش مستجاب نگردد .

۶. دعای شایستگان نصیب وی نشود .

اما سه بلایی که نزدیک وفات به او می رسد :

۱. سکرات مرگ بر او شدید شود .

۲. گرسنه از دنیا برود .

۳. تشنگی از او رفع نشود .

اما سه عقوبتی که در قبر به وی رسد :

۱. با درد و غم قرین باشد .

۲. در تاریکی محض بسر برد .

۳. تا قیامت در عذاب باشد .

اما سه عقوبتی که در قیامت به او رسد :

۱. حساب بر وی دشوار شود .

۲. خداوند دشمن وی گردد و به او نظر رحمت نیندازد و او را عذاب دردناك رسد .

۳. از قبر همچون حیوان به قیامت وارد گردد و سپس با ذلّت و خواری رهسپار دوزخ شود(۱) .

* قالَ رَسُولُ اللهِ (صلی الله علیه وآله وسلم) : لاایمانَ لِمَنْ لاصَلوةَ لَهُ(۲) .

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود : آن که نماز ندارد ایمان ندارد .

پاورقی

۱ اسرارالصلوه : ص ۳۲ .

۲ اسرارالصلوه : ص ۳۳ .

وَ قالَ رَسُولُ اللهِ (صلی الله علیه وآله وسلم) مَنْ اَحْرَقَ سَبْعینَ مُصْحَفاً وَ قَتَلَ سَبْعینَ نَبِیّاً وَ زِنا مَعَ اُمِّهِ

سَبْعینَ مَرّات وَ افْتَضَ سَبْعینَ بِكْراً بِطَریقِ الزِّنا اَقْرَبُ اِلی رَحْمَهِ اللهِ مِمَّنْ تَرَکَ الصَّلوهَ مُتَعَمِّداً(۱) .

و نیز رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود : کسی که هفتاد قرآن را بسوزاند و هفتاد پیامبر به قتل رساند و هفتاد مرتبه با مادر خود درآمیزد و هفتاد دختر را از طریق زنا تجاوز نماید به رحمت خداوند از کسی که عمداً نمازش را ترک کند نزدیکتر است .

* قالَ رَسُولُ اللهِ (صلی الله علیه وآله وسلم) اِنَّ تارِک الصَّلوه لایَجِدُ ریحَ الْجَنَّهِ .

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود : به حقیقت که تارک نماز بوی بهشت را استشمام نکند .

روایاتی که در باب ارزش و عظمت نماز رسیده به اندازه ای است که اگر کسی بخواهد همه ی آنها را از معتبرترین کتاب های حدیث در یک جا جمع کند کتاب قطوری خواهد شد ، و من فکر می کنم به همین اندازه برای دریافت ارزش این عبادت ملکوتی برای خوانندگان این رساله بس باشد .

در این قسمت لازم است این نکته ی مهم را تذکر دهم که عده ای تصور می کنند نماز حقیقتی است که در آیین محمّدی و فرهنگ اسلامی بر مردم واجب شده ، در حالی که این تصور از هر جهت بدون پایه و ریشه است . نماز واقعیتی است که از هنگام شروع زندگی به وسیله ی حضرت آدم در کره زمین از جانب حضرت حق بر هر مکلفی واجب شد و این امر واجب به هر یک از صد و بیست و چهار هزار پیغمبر ابلاغ گشت تا آن را به امت های خود برسانند

و آنان را به

پاورقی

۱ اسرارالصلوه : ص ۳۳ .

نماز دعوت کنند و از ترک آن بترسانند .

در قسمت بعد در به مسئله ی نماز در آیین انبیا از طریق قرآن و روایات می پردازیم تا معلوم شود این حکم با عظمت در پیشگاه حضرت حق از چه حیثیّت و ارزشی برخوردار است .

نماز در آئینه ی حیات انبیا و امت ها

توضیح

تفسیر علی بن ابراهیم قمی در حدود قرن سوم هجری ، یعنی نزدیک به عصر امام حسن عسکری (علیه السلام) ، به رشته ی تحریر درآمده است .

بزرگان از علمای امت اسلامی و دانشمندان وارسته ، امثال علامه ی طباطبایی صاحب تفسیر المیزان ، به این تفسیر اطمینان نموده و بسیاری از مطالب آن را در کتب فقهی و تفسیری و اخلاقی خود نقل کرده اند .

نویسنده ی تفسیر جناب علی بن ابراهیم(۱) در توضیح آیه ی شریفه ی (فَتَلَقَّی آدَمُ مِنْ رَبِّهِ کَلِمَ‌ات)(۲) روایتی را از قول پدرش ، از ابن ابی عمیر ، از ابان بن عثمان ، از امام ششم (علیه السلام) نقل می کند که با توجّه به اینکه کتب رجالی شیعه از قبیل رجال کشی ، جامع الرواه اردبیلی ، قاموس الرجال شوشتری ، معجم الرجال خویی ، سندش را صددرصد معتبر دانسته اند ، نشان دهنده ی مسئله ی نماز در زمان حضرت آدم (علیه السلام) است ، برگردان فارسی روایت تا آنجا که لازم و نقطه ی شاهد است از نظر عاشقان نماز می گذرد :

* آدم پس از بیرون آمدن از بهشت و هبوط به زمین ، چهل روز در کوه صفا واقع در نزدیک بیت حق اقامت داشت . آن

روزها به خاطر دوری از مقام قرب و هبوط از مقام علّم الاسمایی و از دست دادن جوار ملکوت و هجران بهشت

پاورقی

۱ تفسیر قمی : ۱ / ۴۴ .

۲ بقره (۲) : ۳۷ .

وصال محبوب ، در حالی که صورت به خاک داشت همچون ابر بهاران سرشک از دیده می ریخت .

امین وحی از جانب حضرت معبود که جز لطف و محبّت و احسان و مرحمت به بندگان ندارد بر او نازل شد و سبب ناله ی جگرسوز و دلخراش او را پرسید . در پاسخ آن فرشته گفت : چرا ناله نکنم و اشک از دیده نبارم ؟ مگر نه این است که خدای عزیز مرا به خاطر بی توجّهی به خواسته ی خود از مقام قرب رانده و از جوار رحمت خویش محرومم نموده و مسکنم را در خاک ذلّت و بر غبار مسکنت قرار داده ؟

فرشته ی وحی بدو گفت : به پیشگاه لطف دوست برگرد و وجود خود را به زینت توبه بیارای .

آدم گفت : چگونه توبه کنم و چه سان به سوی حق باز گردم ؟

خداوند مهربان چون اراده ی آدم را بر جبران گذشته راسخ دید ، قبه ای از نور که جایگاه بیت را مشخص می کرد و تابش نورش حدود جغرافیایی حرم را معلوم می نمود فرو فرستاد و به امین وحی فرمان داد محلّ بیت را نشانه گذاری کند . چون به وسیله ی آن روشنایی ، محلّ بیت و حدود حرم معلوم شد و این برنامه سامان گرفت ، فرشته ی وحی از آدم خواست آماده شود تا

مراسمی را بجا آورده و دست نیاز به سوی بی نیاز برای بازگشت و توبه بردارد .

روز ترویه شروع برنامه ای بود که از فرشته ی حق تعلیم می گرفت . پدر آدمیان به دستور فرشته ی حق غسل کرد و مُحرم شد و پس از انجام آن مراسم ، روز هشتم ذوالحجه به سرزمین منی رفت و دستور گرفت که شب را در آنجا بماند .

صبح روز نهم در حالی که تلبیه می گفت به عرفات آمد . آفتاب عرفات از ظهر می گذشت . فرشته ی الهی به او گفت : از ادامه ی تلبیه خودداری کن و دوباره خود را به غسل بیارای .پس از اینکه نماز عصر را بجای آورد امین وحی به او

گفت : در این سرزمین به پای خیز . چون به پا خاست کلماتی را که از خداوند برای توبه نازل شده بود به آدم تعلیم داد .

از این روایت که علاوه بر تفسیر علی بن ابراهیم ، کتابهای دیگر اسلامی هم آن را نقل کرده اند استفاده می شود که حضرت آدم که اولین انسان از نوع ما بوده از جانب حضرت ربّ مأمور به نماز بوده است ، ولی اینکه چگونگی و کیفیّت و شرایط و عدد رکعات و اوقات آن به چه صورت بوده بر ما پوشیده است و دانستن آن هم چندان سودی ندارد . آنچه اهمیّت دارد این است که آدم برای بجا آوردن نماز مکلّف و مسؤول بوده و آیین وی همراه با حکم نماز بود .

کتاب باارزش بحارالانوار(۱) از کتاب پراعتبار تهذیب شیخ طوسی آن فقیه والا و مفسّر بزرگ

و محدّث خبیری که علامه ی حلّی درباره ی او فرموده است : « من مردی در علم و عمل نظیر او نمی شناسم » روایت می کند که حضرت صادق (علیه السلام) فرمود :

* به هنگـامی که آدم از دنیـا رفت و زمان نمازگزاردن بر او فرا رسـید ، فرزنـدش هبه اللّه به امین وحی گفت : ای فرسـتاده ی حق ! پیشـقدم شو تا بر جنازه ی آدم نماز گزارده شود . فرشته ی الهی پاسخ داد : خداوند جهان ما را بر به سجده بر پدرت امر کرد ، و هم اکنون در شأن ما نیست که بر نیکوترین فرزند وی مقدم شویم ، شـما بر ما پیشی گیر و با پنج تکبیر به مان صورت که بر امت محمّد (صلی الله علیه وآله وسلم) واجب خواهد شد بر جنازه نماز بخوان . از آن پس آن نماز ، واجب شد بر جنازه ی فرزندان وی قبل از دفن ، نماز میت خوانده شود .

با کمال تأسّف بسـیاری از جوامع و امتها از فرهنگ الهی دور شدنـد و به پرسـتش بتهای زنـده و مرده دچار آمدنـد و به سـبب نحسیِ شرک و کفر از حقایق

پاورقی

۱ ج ۱۱ / ۲۶۰ .

الهیّه محروم گشـتند و بـدتر از هر چیز ، از نماز ، این فیض عظیم الهی ، بی بهره ماندنـد . زندگان آن جوامع بی نماز هسـتند و مرده هایشان بدون بدرقه ی نماز یا دفن می شوند و یا به آتش می سوزند .

ادریس و نماز

علامه ی مجلسی از حضرت صادق (علیه السلام) روایت می کند :

* به هنگام

ورود در شـهر کوفه از مسـجد سهله دیدن کن و در آن جایگاه مقدّس نماز بگزار و حلّ مشکلات دینی و دنیایی ات را در آن مقـام از حضـرت بطلب ، زیرا مسـجد سـهله خـانه ی حضـرت ادریس است . انسـان بزرگواری که در آنجـا به پیشه ی خیـاطی مشغول بود و نمازش را در آن جایگاه اقامه می کرد .

آری !آن کس که در آنجـا دست نیـاز به سوی بی نیاز بردارد بی جواب نمی مانـد و در قیامت در کنار ادریس از مقام بلنـدی برخوردار خواهد بود و به خاطر عبادت و اظهار نیازمندی در آن مسجد ، از ناراحتی های دنیایی و شرّ دشمنان در پناه حق قرار خواهد گرفت(۱) .

طبرسی بزرگوار در مجمع البیان(۲) حضرت ادریس را از قدیمی ترین پیامبران خدا و جدّ پدری نوح می داند .

عنایت کنیـد که حضـرت ادریس که قبل از نوح می زیسـته فرهنگش همراه نماز بوده و مکان اقامه ی نمازش چندان مقدّس و مبارک است که حضرت صادق (علیه السلام)دعای دعا کننده را در آن مقام مستجاب می داند .

پاورقی

۱ بحارالانوار : ج ۱۱ / ص ۲۸۰ .

۲ ج ۶ / ص ۵۱۸ .

نوح و نماز

بحار الأنوار ، این اولین کتاب بی نظیر و ارزشمند ، از حضرت باقر (علیه السلام) روایت می کند :

* پرستش خدای یگانه و اخلاص به پیشگاه او و بی همتا دانستن حق ، که خداوند فطرت مردم را بر آن قرار داده است اصول آیین نوح بود .

پروردگار بزرگ از نوح و همه ی انبیا پیمان گرفت که او را فرمان ببرند و از شرک

دوری جویند ، و نیز خدای مهربان حضرت نوح را به نماز و امر به معروف و نهی از منکر و رعایت حلال و حرام دعوت کرد(۱) .

ابراهیم و نماز

ابراهیم بزرگ که از او تحت عنوان بت شکن ، قهرمان توحید ، پدر انبیا ، اوّاه ، حلیم ، صالح ، مخلِص ، مخلّص ، موحّد و بینای ملک و ملکوت یاد می شود به فرمان حضرت حق ، هاجر و فرزند شیرخواره اش اسماعیل را از شام حرکت داد و به دلالت پروردگار راه پیمود تا به جایگاه کعبه رسید . پس آن طفل شیرخوار و مادرش را بنا به خواست خداوند در آن سرزمین بی آب و علف با مختصری طعام و پیمانه ای از آب پیاده کرد !! سپس از همسر مهربان خداحافظی کرد و اراده ی بازگشت نمود . در این وقت هاجر دامن ابراهیم را گرفت و عرضه داشت : چرا می روی و به کجا خواهی رفت ؟ ما را در این دشت هولناک و زمین بی آب و علف به که وامی گذاری ؟

ابراهیم التماس هاجر را نادیده گرفت و با آرامشی که خاصّ عاشقان و اولیای خداست به هاجر فرمود : اینکه تو و این طفل گرسنه را در این بیابان می گذارم

پاورقی

۱ بحار الأنوار : ۱۱ / ۳۳۱ .

فرمان اوست .

هاجر چون این آهنگ گرم و دلپذیر را شنید به جای خود بازگشت و در برابر حکم حکیمانه ی حق تسلیم شد و پیش خود گفت : اگر ماندن من با این کودک در این بیابان وحشتزا فرمان خداست باک ندارم ، زیرا همو

حافظ و نگهبان من و کودک من است .

ابراهیم عزیز بازگشت . گو اینکه فراق فرزند که تنها چراغ زندگی او بود قلبش را سخت می فشرد ، اما ایمان او به خداوند نیز او را از آن منطق با کمال آرامش و اطمینان دور می ساخت و در حالی که مرکب به جلو می راند دست به سوی حق برداشت و چنانکه قرآن مجید می فرماید ، عرضه داشت :

* (رَبَّنَا إِنِّی أَسْکَنتُ مِن ذُرِّیَّتِی بِوَادٍ غَیْرِ ذِی زَرْعٍ عِندَ بَیْتِکَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِیُقِیمُوا الصَّلاَهَ)(۱) .

پروردگارا ! من زن و فرزند خود را در بیابانی خشک و سوزان در کنار خانه ی تو قرار دادم پروردگارا ! برای این که نماز به پای دارند .

ابراهیم بزرگوار به نقل از قرآن مجید درخواستهای بسیار مهمی از حضرت حق داشت . خداوند مهربان تمام دعاهای ابراهیم را اجابت فرمود ، که از جمله ی درخواستهای آن مرد بزرگ یکی این بود :

* (رَبِّ اجْعَلْنِی مُقِیمَ الصَّلاَهِ وَمِنْ ذُرِّیَّتِی رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ)(۲) .

پروردگارا ! من و فرزندانم را به پادارنده ی نماز قرار ده و درخواست مرا به پیشگاه لطف و عنایت بپذیر .

پاورقی

۱ ابراهیم (۱۴) : ۳۷ .

۲ ابراهیم (۱۴) : ۴۰ .

اسماعیل و نماز

کتاب الهی درباره ی حضرت اسماعیل می فرماید :

* (وَاذْکُرْ فِی الْکِتَابِ إِسْماعِیلَ إِنَّهُ کَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَکَانَ رَسُولاً نَّبِیّاً * وَکَانَ یَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلاَهِ وَالزَّکَاهِ وَکَانَ عِندَ رَبِّهِ مَرْضِیّاً) (۱) .

اسماعیل را به یاد آر که دارای اوصاف پسندیده بود : وفادار به پیمان ، فرستاده ی حق ، حبر دهنده

ی از حقایق ، و امر کننده ی زن و فرزند به نماز و زکات ، و بنده ای بود که خداوند در تمام برنامه ها از او خشنود بود .

اسحاق و یعقوب و انبیای از ذرّیه ی ابراهیم و نماز

در زمینه ی امر حضرت حق به نماز ، به عباد شایسته اش حضرات اسحاق و یعقوب و سایر انبیای از ذرّیه ی ابراهیم در قرآن کریم می خوانیم :

* (وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلاًّ جَعَلْنَا صَالِحِينَ * وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ)(۲) .

ما به ابراهیم ، اسحاق و فرزندزاده اش یعقوب را عطا کردیم و همه را صالح و شایسته و لایق مقام نبوت قرار دادیم ، و آنان را به پیشوایی خلق برگزیدیم تا مردم را به امر ما هدایت کنند ، و هر کار نیکو از انواع عبادات و خیرات مخصوصاً اقامه ی نماز و ادای زکات را به آنان وحی کردیم ، و اینان برای ما بندگان سربه فرمان بودند .

پاورقی

۱ مریم ( ) : ۵۴ ۵۵ .

۲ انبیا ( ) : ۷۲ ۷۳ .

شعیب و نماز

مردم مَدیَن مردمی فاسد و طاغی و یاغی و متجاوز به حقوق حق و خلق بودند . خداوند بزرگ حضرت شعیب را در میان آنان مبعوث به رسالت فرمود ، تا آنان را از گمراهی و ضلالت نجات دهد . تعالیم ملکوتی و آسمانی شعیب را حضرت حق بدین صورت بیان می فرماید :

* (وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْباً قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِنْ إِله غَيْرُهُ

وَلاَ تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّی أَرَاكُم بِخَيْر وَإِنِّی أَخَافُ عَلَيْكَمْ عَذَابَ يَوْم مُحِيط * وَيَا قَوْم أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلاَ تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلاَ تَعْثَوْا فِی الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ * بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِن كُنتُم مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظ)(۱) .

برای هـدایت و راهنمایی مردم مـدین برادرشان شعیب را فرسـتادیم . او به مردم مدین از جانب حضـرت حق چنین گفت : ای جامعه ! خدای جهان آفرین را بپرستید ، زیرا جز او خدایی نیست ، و آنچه را به وسـیله ی پیمانه و ترازو به مردم می فروشید از آن کم مگذاریـد . من خیر شـما را به شـما نشان می دهم . چرا می خواهیـد از راه تقلب و خیانت به ثروت خود بیفزاییـد ؟ من شمـا را از عـذاب روز فراگیر می ترسانم ، های ای ملت ! پیمانه را پر بدهیـد ، جنس ترازویی را بـدون کم گذاشـتن به مشتری ارائه کنید ، و از گناه و تجاوز به حق مردم دست بردارید .

مردم مـدین ! بی تردیـد آنچه خداونـد در سایه ی مقرراتش بر شـما حلال دانسته به بفع شـماست اگر اهل ایمان هستیـد . من قدرت بازداشتن شما را از تجاوز ندارم ، وظیفه ی من تبلیغ برنامه های خداست و بس .

پاورقی

۱ هود (۱۱) : ۸۴ ۸۶ .

تعالیم شـعیب ضامن خیر دنیا و آخرت مردم بود ، ولی جامعه ی مدین در برابر شـعیب و دلسوزیهای او موضع سختی گرفتند و نخواستند هدایت حق را بپذیرند و دست از هوا و هوس و شهوت و دنیاپرستی بردارند . و عجیب اینجاست

که تمام برنامه ها و تعالیم آن بزرگمرد الهی را نتیجه ی نماز شعیب می دانستند وبه این معنا علم داشتند که نماز ، باز دارنده ی نمازگزار از هر فحشا و منکری است . آنان به شعیب گفتند :

* (قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلاتُكَ تَأْمُرُكَ أَن نَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَو أَن نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لأنتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ)(۱) .

(ای شعیب ! ما در پرستش معبودهای پدران خود ثابت قدمیم و در برنامه های مالی خود آزاد ، و از هر راهی که بخواهیم ثروت به چنگ می آوریم و به هر صورت که اراده کنیم می فروشیم) .

ای شعیب ! به نظر ما آنچه تو را تحریک کرده که ما را از آیین نیاکانمان برگردانی و مسیر خرید و فروش ما را عوض کنی نماز توست . به راستی تعجب آور است که با ما سر ستیزداری در حالی که ما تو را مرد بردبار و درستی می دانیم .

آری ! نماز رشد دهنده و هدایتگر و بازدارنده ی از فحشا و منکرات و فساد بود ، اما مردم شهوت پرست مدین نمی خواستند در چنین حصن حصینی داخل شوند و دایره ی حیات را با این دژ محکم و حصار مستحکم از شرّ شیاطین و خطرات مصون و محفوظ بدارند .

پاورقی

۱ هود (۱۱) : ۸۷ .

موسی و نماز

حضرت کلیم الله که از انبیای اولوالعزم است ، مورد عنایت خاص حضرت محبوب بود .

یاد آن حضرت و اوصاف حمیده ی او در قرآن مجید زیاد آمده است .

او زمانی که که به هدایت حضرت حق ،

در مسیر مدین و مصر به وادی سینا و منطقه ی طور رسید ، برای اولین بار طنین دلربای صدای معشوق را بدین گونه شنید :

* (یَامُوسَی * إِنِّی أَنَا رَبُّکَ فَاخْلَعْ نَعْلَیْکَ إِنَّکَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُویً«۱۲»

وَأَنَا اخْتَرْتُکَ فَاسْتَمِعْ لِمَا یُوحَی * إِنَّنِی أَنَا اللَّهُ لاَ إِلهَ إِلاَّ أَنَا فَاعْبُدْنِی وَأَقِمِ الصَّلاَهَ لِذِکْرِی)(۱) .

* ای موسی ! من پروردگار تو هستم ، کفش از پای بیرون کن (: از همه چیز جز من قطع علاقه نما) ، چون هم اکنون در وادی مقدسی .

من تو را به مقام شامخ رسالت برگزیده ام ، بنابراین به آنچه به تو وحی می شود گوش فرا ده :

منم خدای یکتا ، خدایی که جز من نیست ، پس مرا اطاعت کن و در مسیر عبادت من قرار گیر و نماز را به خاطر یاد من به پای دار .

آری ! نماز که همراه با شرایط ظاهری و باطنی اقامه شود یاد حضرت محبوب را در دل زنده می سازد و حاکمیت آن یاد را در اعمال و اخلاق می گستراند و امنیتی همه جانبه در قلب ایجاد می کند به طوری که انسان از شرّ شیاطین در مصونیّت الهی می رود و از برکت آن امنیّت ، سعادت دنیا و آخرت آدمی تضمین می شود .

پاورقی

۱ طه ( ) : ۱۱ ۱۴ .

* (أَلاَ بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ)(۱) .

آگاه باشید ! با یاد خدا دلها آرامش و امنیّت یابد .

چون امنیّت به وسیله ی نماز با شرایط و عبادتِ با حال ، حکومتش را در عرش قلب برقرار کرد ،

به هنگـام مرگ و سـفر به آخرت ، دارنـده ی قلب مطمئن مخـاطب به خطـاب حضـرت حق می شـود و آن وقت ، مردن برای انسان از عسل شیرین تر می گردد :

* (يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّهُ * ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَهً مَرْضِيَّهً * فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَادْخُلِي جَنَّتِي)(۲) .

ای صـاحب نفس با آرامش ! به پروردگارت برگرد در حالی که راضـی هستی و از تو خشـنودند ، پس در عباد من وارد شو و به بهشتم درآی .

لقمان و نماز

آن بزرگمرد الهی که بر اثر تزکیه ی نفس و جهاد فی الله ، از جانب حق وجود با برکتش چشمه ی جوشان حکمت الهی شد ، در سفارشاتش به فرزند خود می فرماید :

* (يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاهَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنكَرِ وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَکَ إِنَّ ذلِکَ مِنْ عَزمِ الْأُمُورِ)(۳) .

ای پسرم ! نماز را به پای دار و در جامعه اقدام به امر به معروف و نهی از منکر

پاورقی

۱ رعد ( ) ۲۸ .

۲ فجر ( ) ۲۷ ۳۰ .

۳ لقمان ( ) ۱۷ .

کن و در برابر حوادث بردبار و صبور باش ، که تحمل و صبر در راه ارشاد مردم نشانه ای از عزم ثابت مردم بلند همّت است .

داود و نماز

علّامه ی مجلسی دانشـمند کم نظیر شـیعه در توضـیح آیـاتی که در رابطه ی بـا حیات با برکت داود است ، روایاتی درباره ی فضایل و محاسن و کثرت عبادات و مناجات داود ، به خصوص عشقی که از پیامبر بزرگ به نماز داشت ، نقل می کند :

* آن حضرت در خانه ی خود محرابهای متعددی قرار داده بود تا در جای جای منزلش نماز اقامه کند .

او اوقـاتش را به چهـار مرحله تقسـیم کرده بود : روزی را برای حلّ مشـکلات مردم ، روزی را برای زن و فرزنـدش ، روزی را برای دعا و مناجات د ر دل کوهها و کنار دریا ، و روزی را برای انس با محبوب در خلوت منزل و در کنار محراب عبادت .

امام صادق (علیه السلام) می فرماید : در حالی که در محراب

عبادتش مشغول نماز بود ، خداوند مهربان با وی سخن می گفت(۱) .

سلیمان و نماز

کتاب ارزشمند ارشاد دیلمی روایت می کند :

* لباس سلیمان لباسی بس عادی بود ، در حالی که سلطنت و حکومت و مالی که در اختیارش بود برای احدی از گذشتگان و آیندگان مقرّر نشد .

پاورقی

۱ بحار الأنوار : ۱۴ / ۲۰ .

او شبهای خو را به نماز تمام می کرد ، در حالی که همچون چشمه ی جوشان بهاری از دیده اشک می ریخت . آن حضرت اداره ی امور معاشش از طریق زحمت بازوی خودش بود(۱) .

علمای اهل سنّت در تفسیر آیات ۳۰ تا ۳۳ سوره ی ص متمایل به این معنا شده اند که سلیمان در بازدید از اسبهای آماده برای جنگ از نماز عصرش غافل شد و به وقت غروب آفتاب متوجّه از دست رفتن نماز گشت و به این خاطر به غم و غصّه ی شدیدی دچار آمد

آن گاه خداوند قادر آفتاب را برای او برگرداند تا نماز عصرش را در ظرف معیّن وقتش بجای آورد !

امیرالمؤمنین (علیه السلام) و حضرت باقر (علیه السلام) نظر کعب الاحبار و علمای اهل سنّت را مردود دانسته و دامن حیات باعظمت سلیمان را در تمام عمر از قضا شدن یک نماز پاک می دانند .

در روایات شیعه آمده است که نماز سلیمان از اوّل وقت به تأخیر افتاد ، و به این جهت سخت ملول شد . حضرت حق آفتاب را به وقت عصر برگرداند تا آن مرد بزرگ الهی و آن پیامبر معصوم نمازش را به وقت فضیلتش ادا نماید(۲) .

آری ! بر اساس معرف اسلامی البته

معارف ملکوتی و باارزشی که شیعه نقل کرده است حیات انبیای حق از هر عیب و نقصی حتی قبل از مبعوث شدن مبرّا بوده است و پیامبری نبوده که در عین آن همه زحمت و رنج روزانه ، نمازی از نمازهایش قضا شده باشد .

یونس و نماز

پاورقی

۱ بحارالانوار : ۱۴ / ۸۳ .

۲ بحارالانوار : ۱۴ / ۹۸ ۱۰۳ .

آن عبد شایسته ی حق سالها مردم نینوا را به عبادت حق و دست شستن از شرک و کفر و گناه دعوت کرد ، ولی مردم در برابر تعالیم الهی او تکبر ورزیدند و با وی به مخالفت برخاستند تا جایی که آن حضرت را از هدایت خود ناامید ساختند ، و آن جناب از حضرت ربّ جهت نابودی قوم نینوا نفرین نمود و سپس آنان را رها کرده و به جایی رفت که مردم به او دسترسی نداشته باشند .

چون به منطقه بازگشت زندگی مردم را عادی یافت ، معلوم شد جامعه ی نینوا به پیشگاه حق برگشته و عذاب را با قدرت و قوّت توبه از خود دور کرده اند .

پس ، با خشم و غضب منطقه را ترک کرد و چنانکه می دانید از میان امواج دریا در شکم ماهی جای گرفت . خداوند علت نجاتش را از آن زندان مهلك چنین بیان می فرماید :

* (فَلَوْلاَ أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ * لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ)(۱) .

پس اگر او اهل تسبیح نبود ، هر آینه تا قیامت در شکم ماهی مانده بود .

در مجمع البیان از قول مفسّر بزرگ قتاده آمده است که منظور از تسبیح

و ستایش یونس نماز بود(۲) .

زکریّا و نماز

قرآن مجید در باب نماز زکریّا می فرماید :

* (هُنالِکَ دَعا زَکَرِیّا رَبَّهُ قالَ رَبِّ هَبْ لی مِنْ لَدُنْکَ ذُرِّیَّه طَیِّبَهً اِنَّکَ سَمیعُ الدُّعاءِ * فَنادَتْهُ الْمَلائِکَهُ وَ هُوَ قائِمٌ یُصَلّی فِی الْمِحرابِ اَنَّ اللّهَ یُبَشِّرُکَ بِیَحْیی مُصَدِّقاً بِکَلِمَه مِنَ اللّهِ وَ سَیِّداً وَ حَصوُراً وَ نَبِیّاً مِنَ

پاورقی

۱ صافات ( ) : ۱۴۳ ۱۴۴ .

۲ مجمع البیان : ۸ / ۴۵۹ .

الصّالِحینَ)(۱) .

در آن هنگام که زکریّا عنایات حق را نسبت به مریم مشاهده کرد ، عرضه داشت : پروردگارا ! مرا از لطف خویش فرزندانی پاک سرشت عطا فرما ، همانا تو اجابت کننده ی خواسته ی بندگانی .

زکرّیا در حالی که در محراب عبادت به نماز ایستاده بود فرشتگان به او بشارت دادند که همانا خداوند ترا به ولادت یحیی مژده می دهد ، فرزندی که به پیامبری عیسی گواهی خواهد داد و خود نیز در راه هدایت مردم پیشوا و پارساست و نزد پیامبری از شایشتگان است .

عیسی و نماز

داستان عیسی و مادرش مریم که دارای مقام عصمت و طهارت بود ، از عجایب مسائل روزگار است .

خداوند مهربان برای نشان دادن قدرت خود ، و برای عبرت دیگران و در جهت هدایت امتها به طور مکرر به واقعه ی عظیمه ی این پسر و مادرش در قرآن مجید اشاره فرموده است .

از عجایب حیات عیسی سخن گفتن او در گهواره پس از ساعاتی چند از ولادت است که در آن گفتار ، حقایق الهیّه را برای مردم بازگو کرد و به خصوص به این معنا اشاره فرمود که من مأمور به نمازم :

* (قالَ اِنّی عَبْدُاللّهِ

اتـانِیَ الْکِتـابَ وَ جَعَلْنی نَبِیّاً * وَ جَعَلَنی مُبارَکاً اَیْنَما کُنْتُ وَ اَوْصانی بِالصَّلوهِ وَ الزَکوهِ ما دُمْتُ حَیّاً * وَ بَرّاً بِوالِدَتی وَ لَمْ یَجْعَلَنی جَبّاراً شَقِیّاً * وَ السَّلامُ عَلی یَوْمَ وُلِدْتُ وَ یَوْمَ اَمُوتُ وَ یَوْمَ اُبْعَثُ حَیّاً)(۲) .

پاورقی

۱ آل عمران ( ) ۳۸ ۳۹ .

۲ مریم ( ) ۳۰ ۳۳ .

عیسی در گهواره گفت : همانا من بنده ی خدایم ، به من کتاب آسمانی عنایت شده و به شرف نبوّت آراسته ام و هر کجا باشم برای جهانیان مایه ی برکت و رحمتم . من تا زنده ام دستو دارم نماز را به پای دارم و زکات مال بپردازم . من مأمورم به مادر نیکی کنم و از شقاوت دورم . سلام حق بر من روزی که به دنیا آمدم و روزی که می میرم و روزی که در قیامت مبعوث می شوم . .

محمّد (صلی الله علیه وآله وسلم) و نماز

مسائلی که در باب نماز در آیین رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) مطرح است در هیچ فرهنگی مطرح نبوده است .

نماز در اسلام محمّدی حقیقتی جامع و واقعیّتی کامل است که در پرتو آن انسان به آداب الهی مؤدّب می شود و طریق رشد و کمال و عرفان و طریقت و عشق و حقیقت را می پیماید .

نماز در آیین محمّد (صلی الله علیه وآله وسلم) بال پرقدرتی است که اگر با شرایط مخصوص به خودش انجام بگیرد ، انسان را تا مقام قرب و وصال محبوب ابدی و معشوق سرمدی پرواز می دهد .

عارفان عاشق و واصلان کامل می فرمایند : نماز معجونی است که حضرت شارع

حکیم آن را ترتیب فرموده و به لطف عمیم خود ترکیب نموده است .

مشخص است که هر جزء آن مبتنی بر حکمتی ، و مقتضی سرّی و مصلحتی است ، و هویدا و مبرهن است که افضل اعمال بنی آدم سجده کردن است . چنانکه صریح اخبار و صحیح اعتبار بر آن ناطق و شاهد است ، صادق از آنکه اعضای سبعه را در آن حال مصلّی بر خاک گذارده و مجمع النّورین که اشرف جوارح است بر زمین مالد و به زبان نیاز به درگاه کریم کارساز بنده نواز نالد .

در حدیثی بسیار مهم از قول رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) آمده است :

* اِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلاثَةٌ : ایَةٌ مُحْکَمَةٌ ، اَوْ فَریضَةٌ عادِلَةٌ ، اَوْ سُنَةٌ قائِمَةٌ...(۱) .

آیه ی محکمه تفسیر به توحید و معرفه اللّه شده ، و فریضه ی عادله به اخلاق و تزکیه ی نفس معنا گشته ، و سنّت قائمه به فروع شریعت محمّدی تبیین شده است .

نماز معجونی است که اجزاء آن از این سه علم ترکیب گشته و جامعه ای است که از این سه رشته دوخته شده و حقّه ای است که در آن این سه گوهر نفیس اندوخته گشته و صدفی است که این سه لؤلؤ نایاب را در بر دارد و منبعی است که این سه چشمه از آن منفجر گردد ، و این همه در رابطه با نماز اسلام محمّدی است .

اما اشتمال نماز بر توحید ، آن است که افتتاح نماز با تکبیره الاحرام است و مفهوم تکبیر ، توحید ذات و نفی صفات است ، و بلند کردن انگشتان

دهگانه که هر یک دلیل و نشانه ای بر صفات جلالیّه و جمالیّه است که انسان به هنگام راه یافتن به نماز باید متوجّه این معانی بلند آسمانی و مفاهیم جانانه ی ملکوتی باشد .

اما اشتمال نماز تزکیه ی اخلاق به این است که طهارت بر دو نوع است :

طهارت ظاهر از خبائث و احداث ، و طهارت باطن از ذمایم اخلاق . و چنانکه تطهیر ظاهر ، شرط صحت نماز است ، همچنان تطهیر باطن نیز شرط قبولی این عبادت الهیّه است .

و اشتمال نماز بر سنّت قائمه از این جهت است که نماز اشرف عبادات و افضل طاعات است و در فروع ، هیچ عملی باآن برابری نمی کند .

پاورقی

۱ کافی : ۱ / ۲۴ .

آری ! نماز اسلام محمّدی سراپا آداب الهی و مسائل تربیتی و حقایق ملکوتی و واقعیّات آسمانی است .

با چنین نمازی است که انسان به معراج مربوط به خودش می رسدو به دریای نور سرمدی متصل می گردد ، چنانکه در روایات معتبره از قول معصومین علیهم السلام آمده است :

* قالَ رَسُولُ اللّهِ (صلی الله علیه وآله وسلم) : اِذا قامَ العَبْدُ اِلَیَ الصَّلواهِ الْمَکْتُوبَهِ مُقْبِلا اِلَی اللّهِ تَعالی بِقَلْبِهِ وَ سَمْعِهِ وَ بَصَرِهِ وَ اِنْصَرَفَ وَ قَدْ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ کَیوْم وَلَدَتْهُ اُمُّهُ .

رسول الهی (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود : زمانی که عبد به نمازهای واجب برخیزد و با قلب و گوش و چشم به سوی حضرت حق رود ، پس از پایان نماز از گناهانش همچون روز ولادت از مادر بیرون رفته است .

در روایت بسیار مهم دیگر آمده است :

* چون

عبد به نماز برخیزد ، حجاب بین او و حق برداشته می شود و حضرت محبوب با وجه کریم با او روبرو می گردد . ملائکه از دو طرفش تا انتهای آسمان صف بسته و با او نماز می گزارند و دعایش را آمین می گویند و تمام جوارح و اعضای بدن و هر آنچه در اطراف اوست تسبیح میگویند(۱) .

در روایات معتبر آمده :

* اَلصَّلوهُ نُورُ الْمُؤْمِنِ(۲) .

نماز روشنایی انسان با ایمان است .

* اَلصَّلوهُ نُورٌ(۳) .

پاورقی

۱ اسرار الصلواه تهرانی / ۲۴ .

۲ اسرار الصَّلوه / ۲۴ ۲۸ .

۳ اسرار الصلوه / ۲۴ ۲۸ .

نماز نور است .

* اَفْضَلُ الْاَعْمالِ بَعْدَ الْایمانِ الصَّلوهُ(۱) .

برترین کارها پس از ایمان نماز است .

* اَلصَّلوهُ کَفّاراتٌ لِلْخَطَاءِ(۲) .

نماز کفاره ی گناهان است .

* اَلصَّلوهُ مِعْراجُ اُمَتی(۳) .

نماز معراج امت من است .

* اَلصَّلوهُ اَوَّلَ وَقْتِها رِضْوانٌ وَ آخِرُها غُفْرانٌ(۴) .

نماز اول وقت حشنودی حق ، و آخر وقت آمرزش الهی است .

* عَلَمُ الْایمانِ الصَّلوهُ .

نشانه ی ایمان نماز است .

* اَلْمُصَلّی یُناجی رَبَّهُ .

نمازگزار با پروردگارش مناجات می کند .

از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت شده :

* چون عبد رو به قبله کند از برای نماز به اخلاص تمام ، و نیت کند و بگوید : « اَللّهُ اَکْبَر » ، بیرون آید از گناه چنانکه از مادر زاده شده ، و چون بگوید : « اَعُوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجیم » به هر تار مویی که بر تن او باشد خدای تعالی ثواب یک سال عبادت در دیوان اعمال او نویسد ، و چون فاتحه و سوره

پاورقی

۱

اسرار الصلوه / ۲۴ ۲۸ .

۲ اسرار الصلوه / ۲۴ ۲۸ .

۳ اسرار الصلوه / ۲۴ ۲۸ .

۴ اسرار الصلوه : ۲۴ ۲۸ .

بخوانـد چنان بوَد که یک حـج و عمره بجا آورده ، و چون رکوع کنـد و تسبیـح بگویـد چنان باشـد که به وزن خود زر سـرخ صـدقه باشـد و هماننـد آن است که تمام کتاب های خـدا را خوانـده باشـد ، و چون بگویـد : « سَمِعَ اللّهُ لِمَنْ حَمِدَه » خداوند مهربان به نظر رحمت به وی نگاه کند ، و چون سجده کند و تسبیح گوید حضرت حق ثواب پیامبران روزی او نماید ، و چون تشهد گوید خداوند او را ثواب صابران دهد ، و چون سلام دهد و فارغ شود خدای کریم درهای بهشت را به روی او باز کند پس ، از هر دری که بخواهد ، بی حساب وارد رضوان حق می شود(۱) .

در آیات قرآن مجید به شخص رسول اسلام امر به نماز شده که این امر واجب و لازم متوجه تمام مرد و زن و امت هم هست :

* (وَ اَقِمِ الصَلوهَ طَرَفَیِ النَّهارِ وَ زُلَفاً مِنَ اللَّیْلِ اِنَّ الْحَسَناتِ یُذْهِبْنَ السَّیئاتِ ذلِکَ ذِکْری لِلذّاکِرینَ)(۲) .

و نماز را در دو طرف روز و نیز در ساعت تاریکی شب به پا دار ، که البته خوبیهای شما زشتی و بدکاریتان را نابود می سازد . این حقیقت یادآوری است برای یادکنندگان .

* (أَقِمِ الصَّلاَهَ لِدُلُوکِ الشَّمْسِ إِلَی غَسَقِ اللَّیْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ کَانَ مَشْهُوداً)(۳) .

نماز را اول زوال آفتاب تا نیمه

ی شب بجاآر ، و نماز صبح را نیز بجای آر که آن نماز به حقیقت مشهود نظر فرشتگان شب و روز است .

پاورقی

۱ اسرار الصلوه : ۲۷ .

۲ هود ( ) : ۱۱۴ .

۳ اسراء « » ۷۸ .

قرآن مجید به رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) دستور می دهد که اهل بیت خود را به نماز امر کن و بر این مسئله استقامت نما :

* (وَاْمُرْ اَهْلَکَ بِالصَّلوهِ وَ اصْطَبِرْ عَلَیْها لانَسْئَلُکَ رِزْقاً نَحْنُ نَرْزُقُکَ وَ الْعاقِبَهُ لِلتَّقْوی)(۱) .

تو اهل بیت خود را به نماز امر کن و بر این حقیقت صبور و شکیبا باش . ما از تو روزی کسی را نمی طلبیم ، بلکه به تو و دیگران روزی می دهیم ، و عاقبت نیکو مخصوص پرهیزکاری و تقواست .

مسئله ی نماز به اندازه ای مهم است که جداگانه به زنان پیامبر در امر به نماز می فرماید :

* (وَ اَقِمْنَ الصَّلوهَ وَ اتَیْنَ الزَّکوهَ وَ اَطِعْنَ اللّهَ وَ رَسُولَهُ)(۲) .

و « ای زنان رسول من ! » نماز به پا دارید و زکات مال به فقیران دهید و امر خدا و رسولش را اطاعت کنید .

امت اسلامی و نماز

نماز از نظر اهمیّت و ارزش در حدی است که حضرت احدیت کسی را از آن استثنا نفرموده و نخواسته احدی از بندگانش از این فیض عظیم و از این منبع برکت که سودش ابدی و نفعش در دنیا و آخرت سرمدی است محروم بماند .

به همین خاطر همان طور که به تمام امت های قبل از بعثت رسول اسلام امر به نماز فرمود ، فرد

فرد مرد و زن و امت اسلام را نیز به این فریضه ی الهیّه و حقیقت

پاورقی

۱ طه ( ) ۱۳۲ .

۲ احزاب ( ) ۳۳ .

ملکوتیه دعوت کرد و آنان را به انجام این عمل بزرگ عبادی مأمور فرمود :

* (فَاَقیموُا الصَّلوهَ اِنَّ الصَّلوهَ کانَتْ عَلَی المُؤْمِنینَ کِتاباً مَوْقُوتاً)(۱) .

پس « ای بندگان من و ای امت اسلام ! » نماز را با شرایط لازمش بجای آورید ، که نماز برای اهل ایمان حکمی واجب و فریضه ای لازم و حتمی است .

* (وَ اَقیموُا الصَّلوهَ وَ اتُواالزَّکوهَ وَ ارْکَعوُا مَعَ الرّاکِعینَ)(۲) .

و نماز به پای دارید و زکات بپردازید و با اهل عبادت خدا را عبادت کنید .

* (وَ اَنْ اَقیمُواالصَّلوهَ وَ اتَّقُوهُ وَ هُوَ الَّذی اِلَیْهِ تُحْشَروُنَ)(۳) .

این که نماز به پای دارید و تقوای الهی پیشه کنید ، و اوست خدایی که به سویش محشور می شوید .

* (حافِظُوا عَلَی الصَّلَواتِ وَ الصَّلوهِ الْوُسْطی وَ قُومُوا لِلّهِ قانِتینَ)(۴) .

بر تمام نمازها بخصوص نماز میانه (صبح یاظهر) محافظت داشته باشید و به اطاعت از حضرت حق قیام کنید .

* (فَاَقیمُوا الصَّلوهَ وَ اتُوا الزَّکوهَ وَ اعْتَصِمُوا بِاللّهِ هُوَ مَوْلاکُمْ)(۵) .

پس نمازبه جای آورید و زکات بپردازید و به حضرت الله چنگ بزنید که او مولای شماست .

* (وَ اَقیمُوا الصَلوهَ وَ اتُواالزَّکوهَ وَ اَقْرِضُوااللّه قَرْضاً حَسَناً)(۶) .

و نماز به پای بدارید و زکات مال ادا کنید و به خداوند قرض الحسنه بدهید .

پاورقی

۱ نساء ( ) ۱۰۳ .

۲ بقره ( ) ۴۳ .

۳ انعام

. ۷۲ ( )

۴ بقره ( ) ۲۳۸ .

۵ حج ( ) ۷۸ .

۶ مزمل ( ) ۲۰ .

این است قسمتی از اوامر حضرت محبوب نسبت به نماز که نشان می دهد نماز در پیشگاه او از چه ارزش و اهمیتی برخوردار است .

امید است هیچ مرد و زنی در امت اسلام خود را از این فیض ملکوتی محروم نسازد و در وقت مرگ با دست خالی از این سرمایه ی ابدی به ملاقات حق نرود .

نشانه های مؤمن

اشاره

قرآن مجید و کتاب های اصیل حدیث برای انسان مؤمن ارزش و عظمتی قائلند که برای چیزی در آفرینش ، پس از خدا و انبیا و ائمه ، به این اندازه ارزش قائل نیستند .

مؤمن ماه آسمان حیات ، خورشید عالم معنی ، و نور زمین و آسمان است .

* قالَ النَّبِیُّ (صلی الله علیه وآله وسلم) : مَثَلُ الْمُؤْمِنِ عِنْدَ اللّهِ کَمَثَلِ مَلَک مُقَرَّب ، وَ اِنَّ الْمُؤْمِنَ اَعْلی عِنْدَاللّهِ مِنْ مَلَک مُقَرَّب(۱) .

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود : مؤمن نزد خداوند همانند ملک مقرّب است ، و به حقیقت که مؤمن نزد خدای بزرگ از ملک مقرّب بالاتر است .

* اِنَّ رَسوُلَ اللّهِ (صلی الله علیه وآله وسلم) نَظَرَ اِلَی الْکَعْبَهِ فَقالَ : مَرْحَباً بِالْبَیْتِ ما اَعْظَمَکَ وَ ما اَعْظَمَ حُرْمَتَکَ عَلَی اللّهِ ! وَ اللّهِ لِلْمُؤْمِنُ اَعْظَمُ حُرْمَهً مِنْکَ لِاَنَّ اللّهَ حَرَّمَ مِنْکَ واحِدَهً وَ مِنَ الْمُؤْمِنِ ثَلاثَهً : مالَهُ وَ دَمَهُ وَ اِنْ یُظَنَّ بِهِ ظَنَّ السُّوءِ(۲) .

در روایت آمده که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به کعبه نظر فرمود واین چنین به خانه ی حق

خطاب کرد : آفرین به بیت الهی ، چه عظیم است قـدر و منزلت تو و حرمتی که نزد خـدای داری ! به خدا قسم مؤمن احترامی عظیم تر از تو دارد ،

پاورقی

۱ مستدرک سفینه البحار : ۱ / ۱۶۷ .

۲ مستدرک سفینه البحار : ۱ / ۱۶۸ .

چرا که خداونـد برای تو یک حرمت قرار داده و برای مؤمن سه حرمت : حرمت در مال و در خون و آبرو که نباید به او گمان بد برد .

* قالَ الصّادِقُ (علیه السلام) : اَلْمُؤْمِنُ اَعْظَمُ حُرْمَةً مِنَ الْكَعْبَهِ(۱) .

امام صادق (علیه السلام) فرمود : مؤمن حرمتی بزرگتر از کعبه دارد .

این چنین انسان های والا و با عظمتی دارای خصوصیّات و ویژگی هایی هستند که نشان دهنـده ی اعتقاد آنان به خـدا و روز قیامت و بیان کننده ی طهارت ظاهر و باطن آنهاست .

قرآن و روایـات به خصوصـیات و نشـانه های مردم مؤمن اشاره دارنـد تا از جهتی چهره ی ملکوتی آنان را به جامعه ی انسانی بشناسانند و از جهت دیگر درس و پندی برای مردم باشد تا آن نشانه ها را در وجود خود تحقق بخشند .

در میان نشانه ها و خصوصـیات مردم مؤمن نماز جایگاه مخصوصـی دارد و شایـد بتوان گفت نماز در رأس تمام خصوصـیات مردم مؤمن پس از ایمان به خدا و روز قیامت است .

این رساله اگر بخواهد از هر آیه و روایتی فقط قسمت مربوط به نمازش را بیاورد ، شاید از چهره ی زیبای آیه و روایت بکاهد . به ناچار آیات و روایاتی که در آنها ذکری از نماز به عنوان نشانه

ی مردم مؤمن آمده تمامش را نقل می کند تا علاوه بر توجّه به نماز به سایر خصوصیات مردم مؤمن نیز توجه شود .

در این قسمت ، تذکرّ این نکته ضروری به نظر می رسد و آن این است که به خاطر مفصّل نشدن رساله از ذکر اصل آیات و روایات خودداری می کنم و تنها برگردان فارسی آیات و روایات را در معرض تماشای خوانندگان می گذارم .

پاورقی

۱ مستدرک : ۱ / ۱۶۸ .

آیات

* این کتاب بی تردید راهنمای پرهیزکاران است ، آنان که به جهان غیب ایمان آورند و نماز به پای دارند و از آنچه به ایشان عنایت کرده ایم در راه خدا بپردازند(۱) .

* نیکوکاری بدان نیست که روی به جانب مشرق و مغرب آورید ، (زیرا این به تنهایی برنامه ای است براثر) در حقیقت ، نیکوکاری به این است که به پروردگار عالم و روز قیامت و فرشتگان و قرآن و پیامران ایمان آورید و از مال خود ، در عین دوستی آن ، به خویشان و یتیمان و فقیران و مسافران در راه مانده و گدایان و در راه آزاد کردن بندگان بپردازید . و نماز را به پای داشته ، زکات مال به در کرده ، و به وقت رنج و تعب راه صبر پیش گیرید . آن مردمی که بدین صفات آراسته اند در ایمان راستگو و در عمل پرهیزکارند(۲) .

* آنان که اهل ایمانند و دارای عمل صالح و بپا دارنده ی نماز و پرداخت کننده ی زکات ، نزد حق از اجر نیکو برخوردارند . هرگز ترس از آینده و

اندوه از گذشته نخواهند داشت(۳) .

* کسانی از آنها که در علم قدمی ثابت و نظری عمیق دارند و از ایمان به حق بهره‌ورند و به آنچه به تو و پیامبران پیشین نازل شده ایمان می آورند ، و آنان که نماز را به پا داشته و از پرداخت زکات بخل ندارند و به پروردگار و روز جزا ایمان می آورند ، به زودی آنان را از بهره ی بزرگ حق برخوردار خواهیم

پاورقی

۱ بقره (۲) ۲ ۳ .

۲ بقره ( ) ۱۷۷ .

۳ بقره (۲) ۲۷۷ .

کرد(۱) .

* همه کاره و ولیّ شما تنها خدا و رسول و آن مؤمنانی هستند که نماز را به پا داشته و در حال رکوع به فقیران زکات می دهند(۲) .

* آنان که در تمام شؤون حیات متمسک به کتاب خدایند و نماز را بپا داشتند ، به حقیقت معلومشان باد که ما اجر مصلحان را ضایع نخواهیم کرد(۳) .

* مردم مؤمن کسانی هستند که چون یاد خدا شود ، از جلال و بزرگی حق دلشان ترسان و لرزان گردد و چون آیات الهی را بشنوند بر ایمانشان افزوده گشته و در هر کاری بر خدای خویش تکیه کنند . نماز را با حضور قلب به پا دارند و از آنچه روزی آنان شده انفاق نمایند . به راستی چنین مردمی اهل ایمانند و مصداق حقیقی مؤمن ، و اینان نزد خداوند از مرتبه ی بلند و آمرزش و رحمت و روزی نیکو برخوردارند .(۴) .

* منحصراً آباد کردن مساجد خدا به دست کسانی است که به خدا و روز جزا

ایمان آورده و نماز بپا دارند و زکات بپردازند و از غیر حق نترسند . اینان امید است که از هدایت یافتگان باشند(۵) .

خوانندگان عزیز ! این آیات نمونه ای از آیاتی است که حضرت حق نماز را به

پاورقی

۱ نساء ( ) ۱۶۲ .

۲ مائده (۵) : ۵۵ . به اتفاق تمام مفسّران با انصاف و اهل حق و حقیقت ، آیه ی بالا در شأن والای حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) که بهترین برپا دارنده ی نماز و ادا کننده ی زکات پس از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)بود نازل شده است .

۳ اعراف ( ) ۱۷۰ .

۴ انفال ( ) ۲ ۴ .

۵ توبه ( ) ۱۸ .

عنوان علامت ایمان و نشانه ی مؤمن در آن ذکر فرموده است . اگر متن آیات دیگر را بخواهید ، با ذکر سوره و شماره ی آیه به قرار زیر است :

انعام (۶) : ۹۲ ، توبه (۹) : ۷۱ ، رعد (۱۳) : ۲۲ ، ابراهیم (۱۴) : ۳۱ ، حج ( ) : ۳۵ ۴۱ ، نور ( ) : ۳۷ ، مؤمنون ( ) : ۲ ، نمل ( ) : ۳ ، لقمان ( ) : ۴ ، فاطر ( ) : ۱۸ و ۱۹ ، شوری ( ) : ۳۸ ، بیّنه ( ) : ۵ ، معارج ( ) : ۲۳ .

با توجه به اوصافی که در آیات ذکر شده به عنوان نشانه های مؤمن آمده و از جمله ی آن علائم

و اوصـاف نماز است ، بایـد گفت : هر مرد و زن مکلّفی که از حوزه ی با عظمت نماز بیرون باشـد ، طبق آیات قرآن از مـدار ایمان و عرصه گاه دین خارج و در نتیجه از مراتب عالی تربیت و انسانیت و از انوار حقیقت و واقعیت به دور است .

روایات

حضرت باقر (علیه السلام) به جابر جعفی که از بزرگترین راویان حدیث و مورد توجه امامان معصوم بود فرمود :

* آیان کسـی که خود را به تشیّع ببندد و اظهار دوستی ما کند برایش بس است و این بستگی و اظهار علاقه ، تنها عامل نجات اوست ؟

به خدا قسم ! شیعه ی ما کسی است که به خاطر حق ، خود را از گناه حفظ کند و از برنامه های الهی پیروی نماید .

شیعیـان مـا به تواضع ، خشوع ، امانتـداری ، بسـیار یـاد حق کردن ، بپـا داشـتن نمـاز ، نیکی به پـدر و مادر ، رسـیدگی به حال همسایگان ، دسـتگیری از فقیر و نیازمند و بدهکار و یتیم ، راستگویی ، خواندن قرآن ، و نگاهداری زبان از آزار مردم شناخته می شوند .

[۵۹]

کسی که از این اوصاف بی بهره است شیعه نیست . شیعه کسی امین قبیله ی خویش است(۱) .

* پیامبر بزرگوار به امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود : برای مؤمن سه خصلت است : روزه ، نماز ، زکات(۲) .

* رسول باعظمت الهی به ابوذر فرمود : خداوند بزرگ روشنی دیده ام را در نماز قرار داده است . همچنان که محبوب گرسنه طعام و معشوق تشنه آب ، محبوب من نماز است .

ای ابوذر !

گرسنه را طعام سیر می کند و تشنه را آب سیراب می سازد ، ولی من از نماز سیر نمی شوم(۳) .

* حضرت باقر (علیه السلام) فرمود : سه برنامه به انسان درجه می بخشد ، و سه مسئله برای آدمی کفّاره است و سه گناه هلاک کننده و سه خصلت نجات دهنده .

آنچه باعث درجه است :

۱. سلام بر مردم .

۲. سیر کردن گرسنه .

۳. نماز شب .

آنچه باعث کفاره است :

۱. وضوی کامل در شدت سرما .

۲. حاضر شدن در جماعات روز و شب .

۳. توجه شدید به نمازهای یومیّه .

پاورقی

۱ کافی : ۲ / ۶۰ .

۲ بحارالانوار : ۷۷ / ۶۴ .

۳ بحارالانوار : ۷۷ / ۷۷ .

اما سه عامل هلاکت :

۱. سوء ظنّ به حق .

۲. پیروی از هوای نفس .

۳. خودبینی .

اما سه خصلتی که مایه ی نجات است :

۱. ترس از مقام حق در نهان و آشکار .

۲. رعایت میانه روی به هنگام غنا و فقر .

۳. گفتار به عدالت به وقت خشنودی و خشم(۱)

* حضرت صادق (علیه السلام) می فرماید : شیعیان ما را دوازده خصلت است :

پاکدامنی ، کوشش در راه حق ، زهد ، ادای امانت ، وفای بعهد ، بندگی حق ، پنجاه و یک رکعت نماز واجب و نافله ، شب زنده داری ، روزه ، پرداخت زکات ، حج بیت ، اجتناب از تمام گناهان(۲) .

* حضرت رضا (علیه السلام) فرمود : خویشتندار باشید و به پاکدامنی روی آورید ، از کوشش در راه حق بازنایستید ، امانت مردم را به مردم بازگردانید ، راستگو باشید ، و با همسایگان

خوش رفتاری کنید ، اینها برنامه هایی است که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به خاطر آن مبعوث به رسالت شد .

در قبیله ی خود نماز بخوانید تا الگوی آنان شوید ، به اقوام رسیدگی کنید ، از مریض عیادت نمایید ، از تشییع جنازه غفلت نورزید ، برای ما در میان مردم آبرو باشید ، از این که با دیدن شما نسبت به ما بدبین شوند بپرهیزید ، ما را در

پاورقی

۱ بحارالانوار : ۷۸ / ۱۸۳ .

۲ صفات الشیعه ی صدوق : حدیث ۱ .

جامعه یا عمل خود محبوب جلوه دهید و از این که با دیدن شما با ما دشمن شوند دوری کنید ، عشق و علاقه ی جامعه را متوجه ما سازید و نارواییها را از ما دفع کنید . آنچه خوبی درباره ی ما بگویند اهل آنیم و هر چه بدی نقل نمایند از آن مبرّا و پاک هستیم . شکر مخصوص خدای جهانیان است(۱) .

در هر صورت نماز ، امر و دستور و خواسته ی حضرت حق است و هر آن کس که از این دستور سرپیچی کند سزایش عذاب ابد در روز محشر است .

اهمیّت و عظمت امر و خواسته ، بسته به وجود امر کننده است . هر چه آمر با شخصیت تر باشد امرش مهمتر و وجود فرمانبری از آن امر شدیدتر است .

به راستی بزرگتر و عظیم تر از حضرت حق کیست ؟ وجودی که هستی او بی نهایت در بی نهایت ، و ذات مقدسش مستجمع جمیع صفات کمالیّه است .

امری مافوق امر حضرت او کدام است ؟ کارفرمای هستی به

هر چه امر کند امرش مافوق امرهاست و اطاعت از دستورش در شدّت وجوب .

او در امر و خواسته اش مصالح همه جانبه ی مکلف را لحاظ می کند ، پس سود پیروی از امرش بازگشت به خود انسان دارد ، و در صورت سرپیچی ، زیانش برای خود آدمی است

نماز امر خداست ، نگویید او احتیاج به نماز ما ندارد ، از سخن حق اراده ی باطل نکنید ، بلکه بگویید این ما هستیم که سراپا نیازمند به عبادت حقیم .

نماز خواسته ی حضرت مولاست ، مولای حکیم ، عادل ، مصلحت خواه ، رحیم ، رحمان ، ربّ ، ودود ، کریم ، غفور و ... .

پیروی از امر او بر همه کس واجب است و نتیجه اش خشنودی حق و بهشت عنبرسرشت ، و سرپیچی از خواسته اش باعث خشم و سخط است و مورث

پاورقی

۱ بحارالانوار : ۸۷ / ۳۴۸ .

عذاب ابدی در عالم آخرت .

نماز برنامه ای است که در قرآن مجید به طور مکرّر به آن امر شده و در سایه ی اجرای این امر است که سود همه جانبه نصیب انسان می شود .

برپاداشتن نماز ، حیات آدمی را از تمام آلودگی ها پاک و دست شیاطین را از عرصه گاه زندگی کوتاه می سازد .

به همین منظور همه ی ما از جانب حضرت محبوب مکلف به نماز هستیم و مأمور اجرای این عبادت عظیمه و این حقیقت ملکوتیّهو .

در هر صورت خداوند متعال و تمام انبیا و همه ی امامان (علیهم السلام) و کل عارفان و عاشقان و صاحبدلان و ناصحان و دلسوزان ، ما را به

نماز امر کرده و از همه ی ما اجرای این وظیفه را خواسته اند .

در قرآن مجید است :

* نماز را به پای دارید ، زکات مال بپردازید و در عبادت حضرت دوست با خداپرستان حقیقی دمساز شوید(۱) .

* به یاد آرید آن هنگام را که از شما بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را ستایش و بندگی نکنید و در حق پدر و مادر و خویشان و یتیمان و فقیران نیکی نمایید و با زبان خوش با مردم سخن گویید و نماز را به پای دارید و زکات مال بپردازید . ولی شما گروه یهود ، جز عده ای معدود پیمان شکستید و از عنایت حق روی گرداندید(۲) .

عجب نداری از حال مردمی که گفتند : به ما اجازه ی جنگ بده . بدانها گفته شد : اکنون از جنگ خودداری کرده به وظیفه ی نماز و زکات قیام کنید (چون

پاورقی

۱ بقره (۲) : ۴۳ .

۲ بقره (۲) : ۸۳ .

هنوز مردم مسلمان آمادگی برای جنگ ندارد) ولی وقتی حکم به جهاد برای جنگ بدر آمد گروهی بیش از آنچه باید از خدا بترسند از دشمن ترسیدند و گفتند : الهی ! چرا حکم جنگ را بر ما واجب کردی تا از عمر خویش بی بهره شویم ؟ به اینان بگو : زندگی دنیا متاع اندکی است و جهان آخرت برای هر کس که خدا ترس باشد بهتر است . در جهان محشر زندگی کامل و ابدی است و به هیچ کسی از شما ستم نخواهد شد(۱) .

* آن گاه که از نماز فارغ یافتید

، باز در همه حال چه ایستاده ، چه نشسته ، چه به پهلو ، خدا را یاد کنید و برنامه های حق را در زندگی حاکم سازید ، و چون از آسیب دشمن به هنگام نبرد ایمن گشتید نماز را به پای دارید که نماز برای اهل ایمان حکمی قاطع و برنامه ای واجب است(۲) .

* بگو ما پیامبران مأموریم که به جامعه بگوییم نماز را بپا دارید و خویشتندار باشید ، زیرا به سوی خدا حرکت می کنید و نزد او محشور خواهید شد(۳) .

* نماز را در دو طرف روز به پای دارید و در تاریکی شب بجای آورید که حسنات سیّئات را از بین می برد . این حقیقت را برای متذکران متذکّریم(۴) .

* نماز را به هنگام زوال خورشید تا نیمه شب به پا دار و نیز نماز صبح را بجای آر که مشهود فرشتگان شب و روز است(۵) .

در دو آیه اخیر (هود : ۱۱۴ و اسراء : ۷۸) بر خلاف آنچه بین قشری از

پاورقی

۱ نساء ( ) : ۷۷ .

۲ نساء ( ) : ۱۰۳ .

۳ انعام ( ) : ۷۲ .

۴ هود ( ) : ۱۱۴ .

۵ اسراء ( ) : ۷۸ .

مسلمانان مشهور است که نماز را حتماً باید در پنج وقت بجای آورد ، سه وقت تعیین شده است که در این سه وقت باید پنج نماز بجای آورد :

۱. زوال آفتاب یعنی ظهر تا ابتدای غروب ، یک وقت برای دو نماز ظهر و عصر که فقه از این دو نماز تعبیر به « ظهرین

» می کند(۱) .

۲. غروب آفتاب تا چهار رکعت مانده به طلوع فجر صادق ، زمان و وقت دوم برای دو نماز مغرب و عشاست که باز فقه اسلام از هر دو نماز تعبیر به « عشائین » می کند .

۳. طلوع فجر تا دو رکعت مانده به طلوع آفتاب ، وقت سوم است برای نماز صبح .

بنابراین ، از قرآن مجید برای نمازهای واجب پنج گانه سه وقت استفاده می شود که با هفده رکعت نمازهای واجب را که در پنج قسمت اعظم تنظیم شده در امتداد سه وقت بجای آورد . البته مقداری فاصله بین ظهر و عصر و مغرب و عشا از فضیلت بیشتری برخوردار است .

در سوره های نور : ۶۵ ، عنکبوت : ۴۵ ، روم : ۳۱ . احزاب :۳۳ و جمعه : ۹ نیز اوامر مؤکد و قاطعی برای برپا داشتن نماز صادر شده که هر یک از این آیات نشانه عظمت و موقعیّت و موقف نماز در پیشگاه حق و در میدان حیات انسان است .

پاورقی

۱ شرح لمعه چاپ جدید : ۱ / ۱۷۹ .

نماز دریای بیکران منفعت

نویسنده این رساله مختصر از نظر فکری و علمی ، قدرت و توان بیان منافع را ندارد .

نمازی که برنامه های ظاهر و باطنش همراه با چهار هزار مسئله است و تا کنون صدها کتاب از طرف عارفان و فقیهان و حکیمان و فیلسوفان و وارستگان و عاشقان درباره آن نوشته شده ، چگونه در قدرت این فقیر تهیدست است که تمام منافع دنیوی و اخروی آن را بازگو کند ؟

من در این فصل به طور بسیار مختصر و بدون شرح

و تفسیر به منافع نماز اشاره می کنم و شما را در این زمینه به کتاب های مفصّل ارجاع می دهم .

در قرآن مجید می خوانیم :

* (وَ اسْتَعینُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلوهِ وَ اِنَّها لَکَبیرَهٌ اِلّا عَلَی الْخاشِعینَ)(۱) .

از خدای بزرگ در سایه بردباری و استقامت و نماز یاری جویید . این مسئله جز برای اهل خشوع سنگین است .

راستی چه مسئله باعظمت و چه حقیقت ریشه داری است ، آن هم مسئله ای که از جانب حضرت حق مطرح شده و تجربه حیات امت اسلامی نیز آن را ثابت کرده است : بردباری و صبر یکی از علل مهمّ پیروزی بر سختیها ، و نماز کلیدی برای حلّ بسیاری از مشکلات .

پاورقی

۱ بقره (۲) : ۴۵ .

دانشمند بزرگ شیخ الرئیس ابوعلی سینا می فرماید :

هر زمان مشکلی علمی در ضمن مطالعه شبانه برایم پیش می آمد و از حلّ آن عاجز می شدم به مسجد جامع شهر رفته دو رکعت نماز بجا می آوردم ، سپس از خدا می خواستم مرا به وسیله نور آن نماز مدد کند تا گره از مشکل باز شود . آری ! پس از بیرون آمدن از مسجد مشکلم حل می شد و به اندک زمانی به آنچه می خواستم می رسیدم(۱) .

شهر قم از قحطی ناله داشت ، زمان خشک شده بود ، باغات در شُرف انهدام بود ، مردم از سختی معیشت می نالیدند ، عوامل مادّی از حل مشکل عاجز بودند ، دولت زمان درمانده بود ، ملت همه چاره ای نداشت . تنها راهی که برای نزول باران وجود داشت

یکی از دستورهای مهم اسلامی بود : نماز باران !

کمتر کسی به خود جرأت می داد به این مهم اقدام کند و به وسیله نماز ، از آسمان باران بیاورد . دلی می خواست آکنده از یقین ، روحی می خواست ملکوتی که بتواند با توان الهی و با بجای آوردن نماز باران ، به جنگ طبیعت برود .

آن کس که با کمال اطمینان جرأت قدم نهادن به این میدان را به خویش داد مرجع بزرگ آن زمان مرحوم آیه اللّه العظمی حاج سیّد محمّد تقی خوانساری بود .

من در سنّ سه سالگی ، آن مرد کم نظیر را در منزل پدرِ مادرم دیده بودم . آن انسان ملکوتی دست به سرم گذاشت و برایم دعا کرده بود که من در آینده از عمرم روحانی خدمتگزاری برای اسلام و مسلمین شوم ، و امروز آنچه دارم از دعای آن فرشته عالم معناست .

او بارها غرق در اسلحه در میدان جنگ با استعمار در عراق شرکت کرده بود .

پاورقی

۱ روضات الجنات : ۳ / ۱۷۱ .

او برای احقاق حقوق اسلام و مسلمین پافشاری عجیبی داشت .

حضرتش با جمعیت زیادی ، با چشم گریان و دل بریان و سروپای برهنه ، به سوی منطقه خاک فرج قم حرکت کرد . این واقعه در زمانی اتفاق افتاد که در جنگ دوم جهانی متفقین در شهر قم قوای نظامی داشتند و از نزدیک ناظر اوضاع بودند . ارتش کفر که تصوّر می کرد این جمعیت برای درگیری آمده خود را آماده دفاع کرده بود ، ولی وقتی از داستان باخبر شد غرق در تعجب گشت که مگر ممکن

است با عملی به نام نماز از آسمان باران آورد ؟!

اما دعای آن انسان والا و نماز آن مرد الهی اثرش را بخشید و همچون سیل از آسمان باران نازل شد و این مسئله به عنوان خبری مهم و اعجاب انگیز به سراسر جهان مخابره گردید .

این واقعه بر سنگ قبر آن آیت حق در شهر قم در مسجد بالاسر حضرت معصومه و در تواریخ آن زمان ثبت شده است .

* ای اهل ایمان ! برای پیشرفت کار خود مقاومت کنید و به ذکر خدا و نماز توسّل جویید که خداوند یاور بردباران است .(۱) .

* ای رسول من ! آنچه از کتاب آسمانی به تو وحی می شود بر مردم بخوان ، و نماز را که عبادتی است بزرگ برپای دار ، که همانا نماز اهلش را از هر کار زشت و منکری باز می دارد ، و به حقیقت که یاد خدا بزرگتر است ، و پروردگار پاداش اعمال را از نظر دور نمی دارد(۲) .

بی شک ، بین نمازگزار و بی نماز در تمام برنامه های ظاهر و باطن فرق است . نمازگزار به خاطر وجوب نمازهای یومیّه ناچار است از تمام آلودگی های ظاهر

پاورقی

۱ بقره (۲) : ۱۵۳ .

۲ عنکبوت ( ) : ۴۵ .

در درجه اول و سپس از آلودگی های باطن خود را حفظ کند تا شرایط صحت و قبولی تحقّق یابد .

نمازگزار بر خود لازم می داند که طهارت بدن و لباس را به خاطر نمازهای یومیه به طور مرتب حفظ کند ، و می داند که به خاطر مباح بودن مکان و لباس

و آب وضو و غسل و خاک تیمم باید از بسیاری از فحشا و منکرات از قبیل دزدی کم فروشی ، غشّ ، در معامله ، غصب ، تقّلب در خرید و فروش ، حیله در کار ، ربا ، معامله حرام ، خوردن مال مردم به باطل ، به دست آوردن ثروت از طریق زور و تجاوز ، و کمک به ظلم و ظالم کناره گیری کند تا بتواند دو رکعت نماز صحیح و قابل قبول بجای آورد .

نمازگرا واقعی می داند که با لباس حرام ، آب و خاک غیر مباح ، مکان غصبی ، و شکم پر از حرام نمازش پذیرفته نیست .

نماز عمود دین و عماد اسلام است . اگر این عبادت پرفیض به درستی انجام شود ، نمازگزار را از جمیع رذایل و آلودگی ها پاک می سازد و از هر زشتی و ناپسندی باز می دارد .

نکته مهمّی که نباید ناگفته بماند این است که در جمیع احکام عبادی اسلام ، رام کردن نفس سرکش ، و از میان بردن خودخواهی و تکبّر ، و اتّصاف به فضیلت تواضع و خشوع و جود و سخا و کرم و شرف ، و حفظ تمام حقوق خالق و مخلوق لحاظ شده است .

امیرالمؤمنین (علیه السلام) خطبه غرّایی به نام قاصعه « یعنی تحقیر کننده متکبران » دارد که در آن زیانهای کبر و مفاسد این خوی زشت را به تفصیل بیان کرده و از مناسک حج ، سپس از نماز و روزه و زکات بام برده و بیان فرموده که چگونه این عبادت تکبّر را نابود می سازد .

کمتر کسی توجّه

دارد که تشریع حکم زکات که به طور مرتب با آیات نماز

[۷۱]

همراه است از بین برنـده تکبّر و آورنـده تواضع است . ولی پس از انـدک تـأملی روشن می شود که این حکم ، فقرا را با اغنیا شریـک می سازد و به آنان تسلّط در اموال توانگران می بخشـد . و این شـرکت دادن فقرا با اغنیا از عظمت و علوّ مقام اغنیا و ذلّت و حقـارت تهیدسـتان می کاهـد و فاصـله بین محروم و منعم را از بین می برد ، تـا چه رسـد به نمـاز که نمـازگزار گاه در پیشگاه عظمت پروردگار بی حرکت می ایستد و گاه کمر بنـدگی خم می کند و در آخر با شکسـتگی و فروتنی و حقارت و پستی ، اعضـا و جوارح گرامی حتی صورت و پیشانی خود را بر خاک می سایـد و با این اعمال با نفس خود جهاد می کنـد و غرور و تکبر را محو می سازد و تواضع و تذّلل را به اثبات می رساند . و البته یک دین جامع و کامل باید باشد .

خودخواهی منشأ و منبع همه مفاسـد است . نخست و در ابتـدای کار ، باید اصل و ریشه عموم بیماریهای روحی را چاره کرد . همچنان که اساس همه ترقّیات معنوی و روحی و اصـلاحات فردی و اجتماعی ، خداشناسی و خداپرستی است ، خودخواهی و خودپرستی منبع همه بـدبختی هـا و مفاسـد است . خودخواه و خودپرست نمی توانـد خـداجوی و خـداپرست بشود ، پس امید صلاح و اصلاحی نباید از او داشت .

نمازگزار واقعی خدا را دوست می دارد و عاشق دلباخته محبوب حقیقی

است و خدا نیز او را دوست خود می خواند . آیا دوستی خدا با عشق مفرط به مادیّت محض که اصل هر گناه و خطاست جمع می شود ؟

نمازگزار یک بار بسم الله و بار دیگر در سوره حمد خدا را به دو صفت رحمان و رحیم می ستاید و اگر از نمازش غافل نباشد قهراً در کسب این صفت خدایی و تخلق به اخلاق الهی خواهد کوشید و در نتیجه ، مهربان ترین مردم خواهد شد و از قساوت و سنگدلی و بیرحمی و بی مهری برکنار خواهد ماند .

نمازگزار می داند که خداوند در کتابش خطاب به تمام پیامبران فرموده که اول

[۷۲]

حلال تناول کنید ، سپس قیام به عبادت نمایید(۱)

نمازگزار می داند که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود :

* خداوند را در فضای بیت المقدس فرشته ای است که هر شب ندا می دهد : هر کس از مال حرام بخورد مستحب و واجبی از او پذیرفته نمی شود(۲) .

و می داند که آن حضرت فرمود :

* کسی که لباسی را به ده درهم خرید ، اگر در پول آن لباس درهمی از حرام باشد ، خداوند در آن لباس نمازی را نخواهد پذیرفت(۳) .

نمازگزار به این معنا توجه دارد که داود (علیه السلام) به حضرت حق عرضه داشت :

* الهی ! ای خداوند مهربان ! ساکن بیت تو کیست و نماز را از چه بنده ای قبلو می کنی ؟ جواب آمد : کسی که به خاطر جلال من تواضع کند و روزش را به یاد من بگذراند ، به خاطر من از شهوات حرام دوری جوید ،

گرسـنه را سـیر کند ، غریب را پناه دهد ، به حادثه دیده رحم نماید . این چنین انسانی در مملکت ملکوت همانند خورشید می درخشد و من دعایش را مستجاب می کنم ، آنچه از من بخواهد به او عنایت می نمایم ، عدم تحمّلش را می بخشم ، در غفلت چراغ راهش می شـوم ، در تـاریکی نـورش گشـته دسـتش را می گیرم . او میـان مردمماننـد فردوس در بیـن بهشـتهاست که نهرهایش همیشگی و میوه هایش بی تغییر است(۴) .

نمازگزار حتماً به این معنی توجه دارد که حضرت صادق (علیه السلام) فرمود :

* کسی که دوست دارد بداند نمازش قبول است یا نه ، ملاحظه کند که آیا

پاورقی

۱ مؤمنون (۲۳) : ۵۱ .

۲ محجه البیضاء : ۳ / ۲۰۴ .

۳ محجه البیضاء : ۳ / ۲۰۴

۴ محجه البیضاء : ۱ / ۳۵۲ .

نمازش او را از فحشا و منکرات باز می دارد یا نه . به اندازه ای که نمازش قدرت حفظ او را از مفاسد دارد به درگاه حق قبول است(۱) .

جـامعه نمـازگزار جامعه ای است پاک ، و کشور با نماز کشوری است سـعادتمند . در مملکتی که همه اهل نمازنـد ، از ظلم و تجـاوز و بغی و فحشا و منکرات و فساد و قساوت و بـدبینی و بی اعتباری و دزدی و چپاول خبری نیست . در آن مرز و بوم که مردمش متوسل به نمازند از دادگستریهای عریض و طویل و پرونده های جنایی اثری نیست .

در آن آب و خاک که سایه نماز بر سر ملت آن است از

نزاع و جدال و جنگ و خونریزی و طلاق و جدایی و هجوم به ناموس ملت و بی حجابی سراغی نگیرید .

کشور با نماز ، مأمور مسلّح برای حفظ مال مردم و راحت و امنیّت خانواده ها نمی خواهد

در ملّتی که حقیقت نماز حکمفرماست بحثی از زندان و زندانبان نیست ، بدهکار مال مردم را می دهد ، و طلبکار آسایش و امنیت دارد .

در جامعه با نماز خون و مال و عرض و آبروی مردم محترم است و این نماز است که ضامن خیر دنیا و آخرت انسان هاست .

کشور با نماز نمونه ای از بهشت آخرت ، و ملت بی نماز دچار انواع بدبختی ها و مفاسد است .

نماز چراغ پرفروغ حیات ، آرام بخش قلب ، معشوق مناجاتیان ، عرصه گاه خوشبختی اهل حق ، نور چشم مشتاقان جمال ، وسیله قرب مقرّبان و دستگیره نجات امیدواران است .

پاورقی

۱ المیزان : ۱۶ / ۱۳۸ .

ارزیابی وضع بی نماز

کتاب الهی و روایات اصیل اسلامی درباره مردم بی نماز ، یا آنان که این مسئله مهمّ ملکوتی را سبک فرض می کنند ، نظریاتی دارند که به قسمتی از آنها در حدّی که لازم است اشاره می شود :

* ای اهل ایمان ! با آن دسته از اهل کتاب و کافران که دین شما را به بازیچه گرفتند دوستی برقرار مکنید و اگر خود را مؤمن می دانید از خدا بترسید . آری ! چون شما ندای نماز بردارید آن را مسخره و بازی فرض می کنند . علتش بی خبری آنان از حقایق اصیل عالم است...

رسول من ! بگو : آگاه سازم کدام قوم

را نزد خـدای منتقم بدترین پاداش است : کسانی که خدا بر آنان لعن فرسـتاد و نسـبت به آنها غضب کرد و آنان را به صورت میمون و خوک مسخ نمود ، و آن کس که بندگی حق را رها کرد و به عبادت شـیطان روی آورد ، در پیشـگاه خدا از بدترین منزلت برخوردار است . اینان گمراه ترین مردم از راه الهی هستند .(۱) .

در این آیات ، مردمِ جـدای از ایمان و نماز ، ملعون و مغضوب حق معرفی شـده انـد و به آنان وعـده عذاب سـخت روز قیامت داده شده است .

* آنان که پس از خداپرستان ، رشته زندگی را به دست گرفته و در میدان

پاورقی

۱ مائده ( ) : ۵۷ ۶۰ .

زودگذر زندگی نماز را ضایع و از شهوات پیروی نمودند ، بزودی کیفر گمراهی خویش را خواهند دید(۱) .

* بندگانی که در بهشت الهی غرق نعمت اند از دوزخیان مجرم می پرسند : به خاطر چه برنامه ای به جهنم افتادید ؟ پاسخ می دهنـد : از نمـازگزاران نبـودیم ، از پاافتادگـان را طعـام نـدادیم ، بـا اهـل باطـل بـه بطـالت نشـستیم ، و روز قیـامت را تکـذیب کردیم(۲) !!

حضرت صادق (علیه السلام) از رسول الهی (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت می کند :

* کسی که نماز را سبک انگارد به خدا قسم در کنار حوض بر من راه ندارد(۳) .

و نیز آن حضرت از پیامبر بزرگوار روایت می کند :

* شیطان تا زمانی که مردم به نمازهای واجب یومیّه و ادایش در وقت اهمیت می دهند ترسناک است و آه و ناله دارد ،

اما زمانی که نماز را ضایع کنند آنان را به راحتی در بدبختی های بزرگ می کشاند .

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود :

* لا حَظَّ فِی الاِسْلامَ لِمَنْ لاصَلوهَ لَهُ(۴) .

آن که نماز ندارد از اسلام بهره ندارد .

و نیر فرمود :

پاورقی

۱ مریم ( ) : ۵۹ .

۲ مدثر ( ) : ۴۰ ۴۶ .

۳ بحار الانوار : ۸۳ / ۹ .

۴ اصرار الصلوه تهرانی : ۳۳ ۳۴ .

* لِکُلِّ شَیْء آفَهٌ وَ آفَهُ الدّین تَرْکُ الصَّلوهِ(۱) .

برای هر چیزی آفتی است که آن را نابود می کند و آفت دین ترک نماز است .

ابو بصیر می گوید :

* برای تسلیت گفتن به سبب شهادت حضرت صادق (علیه السلام) به خانه آن جناب رفتم ، اُم حمیده چون مرا دید به سختی گریست ، من هم گریه کردم . سپس گفت : اگر امام را هنگام مرگ می دیدی تعجب می کردی ، دیده گشود و گفت : تمام خویشان مرا جمع کنید . همه را حاضر کردیم ، فرمود : آن که نماز را سبک بشمارد به شفاعت ما نمی رسد(۲) .

پاورقی

۱ اسرار الصلوه تهرانی : ۳۳ ۳۴ .

۲ بحار الانوار : ۸۳ / ۱۹ .

موانع نماز

قرآن مجید و روایات بر این معنی گواهند که در راه به پاداشتن نماز موانعی وجود دارد که مسلمانان باید سعی کنند از آنها

دور مانده و به هنگام برخورد با آن موانع به مبارزه برخیزند و تا سرحدّ سرکوبی آنچه نمی گذارد انسان وارد بارگاه نماز شود به کوشش و جهاد ادامه دهند .

در این

قسـمت هم مثل بخشـهای گذشـته از متن قرآن و روایات اسـتفاده شـده است . خوانندگان محترم را به دقت در این فصل توجّه می دهم :

* ای مردمی که به حق گرایش پیـدا کرده اید ! بدانید شـراب و قمار و بت پرستی و تیرهای گروبندی برنامه هایی است پلید و از کارهـای شـیطان . حتمـاً از آنها دوری کنیـد تا به رسـتگاری برسـید . شـیطان می خواهـد به وسـیله شـراب و قمار میان شـما عداوت و دشـمنی ایجاد کند و مخصوصاً به وسـیله این برنامه های پلید شما را از نماز و ذکر حق باز دارد . آیا از این برنامه ها دست برمی دارید تا به فتنه شیطان دچار نشوید(۱) ؟!

* به مردم منافق و آنان که ظاهر و باطن یکی ندارنـد بگو : آنچه انفاق کنیـد چه با میل چه با زور از شـما پذیرفته نیست ، زیرا کار شما خودستایی است و شما مردمی هستید که سخت به فسق خو گرفته اید . ای رسول من ! هیچ

پاورقی

۱ مائده (۵) : ۹۰ ۹۱ .

مانعی از قبول نفقات آنها نبود جز آنکه آنان به خدا و رسول کافر بودند ، و این که در نماز شرکت می کنند برای تظاهر است ، زیرا از نماز اکراه دارند و سخت کسل اند ، و مالی را هم که می دهند از روی شوق نیست(۱) .

آنچه به عنوان قسمتی از موانع نماز از آیات ذکر شده استفاده می شود ، می توان در چهار قسمت خلاصه کرد :

۱. شراب

۲. قمار

۳. بت پرستی

۴. ریا

من لازم می دانم برای توضیح

هر یک از این موانعی که در راه نماز است و قرآن به آن اشاره فرموده به روایات متوسل شوم و نظر معصومین (علیهم السلام) را نسبت به این چهار قسمت منعکس کنم .

شراب :

حضرت باقر (علیه السلام) فرمود :

* شرابخوار با روی سیاه ، دهان کج ، زبان بیرون آمده ، و ناله و فریاد از شدت تشنگی وارد قیامت می گردد و به او از چاهی که در آن چرک بدن زنان زناکار ریخته شده می آشامانند(۲) .

حضرت صادق (علیه السلام) فرمود :

* ای یونس بن ظبیان ! از طرف من به مردم بگو : هر کس یک جرعه شراب

پاورقی

۱ توبه (۹) : ۵۴ .

۲ وسائل الشیعه : ۱۷ / ۲۳۷ ۲۳۸ .

بنوشد خداوند و ملائکه و انبیا و مؤمنان او لعنت می کنند . مستی شراب روح ایمان را از کالبد می برد و به جایش روح پست و کثیف و لعنت شده قرار می دهد(۱) .

پیامبر اسلام در رابطه با شراب ده نفر را لعنت کرده است :

* غرس کننده درخت ، نگهبان آن ، فشار دهنده انگور ، ساقی خورنده ، حمل کننده ، تحویل گیرنده ، خریدار ، فروشنده ، دریافت کننده پول(۲) .

رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود :

* از اولین برنامه هایی که خداوند نهی فرموده شرابخواری ، بت پرستی ، و ستیزه با مردم بوده است(۳) .

از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت شده است :

* شرابخواری مبدأ تمام گناهان است(۴) .

حضرت صادق (علیه السلام) فرمود :

* شراب منبع تمام آلودگی هاست و شرابخوار تکذیب کننده قرآن

است ، زیرا اگر قرآن را باور می داشت حرامش را حرام می دانست(۵) .

حضرت باقر (علیه السلام) می فرماید :

* خداوند به چیزی مانند میخوارگی معصیت نشده . برای شرابخوار مست

پاورقی

۱ وسائل الشعیه : ۱۷ / ۲۳۷ ۲۳۸ .

۲ وسائل الشیعه : باب تجارت ، قسمت ۸۴ .

۳ وسائل الشیعه : ۱۷ / ۲۴۳ .

۴ وسائل الشیعه : ۱۷ / ۲۵۱ .

۵ وسائل الشیعه : ۱۷ / ۲۵۱ .

زنای با مادر و دختر و خواهر امری عادی است ، زیرا به هنگام مستی آنان را تشخیص نمی دهد ، و نیز برای مشروبخوار ترک نماز برنامه آسانی است(۱) .

به امیرالمؤمنین (علیه السلام) عرضه داشتند : شما فرمودید : شراب از دزدی و زنا بدتر است ؟! فرمود :

* آری ! زناکننده ممکن است گناه دیگری مرتکب نشود ولی شرابخوار چون مست شده زنا می کند ، آدم می کشد ، نماز را رها می سازد(۲) .

قمار

قرآن مجید قمار را از گناهان کبیره می داند(۳) .

قمار عملی است که برای برنده و بازنده تولید دشمنی می کند . قمارباز اگر ببازد به خاطر از دست دادن مالی که به زحمت فراهم کرده دشمنیِ برنده را به دل می گیرد ، و اگر ببرد بازنده مقابلش دشمنش می شود .

کمتر مجلسی برای قمار تشکیل می شود که در آن نزاع و کینه برنخیزد ، و چه بسا بازنده مال به خاطر فراوانی حسرت و اندوه دست به خودکشی بزند ، یا برای جبران از بین رفتن مالش به گناهان دیگر از قبیل دزدی یا آدمکشی دچار شود .

جمیع آلات و

ادوات قمـار ، سـاختن و فروختن و نگهـداری آنهـا حرام است . و نشسـتن در مجلس قمار هم در آیین الهی ممنوع اعلام شـده است .

روایات حرمت قمار ماننـد حرمت شـراب ، در کتابهای با عظمت کافی و وسایل فراوان است ، می توانیـد به این او منبع ارزنده اسلامی مراجعه کنید .

برای نمونه به یکی از آن روایات که ابزار قمار هم در آن ذکر شده اشاره

پاورقی

۱ وسائل الشیعه : ۱۷ / ۲۵۱ .

۲ وسائل الشیعه : ۱۷ ۲۵۰ .

۳ بقره (۲) : ۲۱۹ .

می شود :

* امـام صـادق (علیه السـلام) می فرمایـد : فروش شـطرنج و خوردن پول آن حرام و نگاه داشـتنش کفر و بازی با آن شـرک و سلام کردن به بازی کننده آن گناه و یاد دادن آن به مردم معصیت بزرگ است .

آن کس کـه دسـت به شـطرنج می زنـد هماننـد این است که دست در گـوشت خـوک فرو می برد و کسـی که به آن نظر می اندازد همانند آن است که به عورت مادرش نگاه می کند .

بازی کننده و سـلام کننده بر او نگاه کننده به بازی ، همه و همه درگناه مساوی هسـتند و آن کس که به بازی شـطرنج بنشیند برای خویش در دوزخ جا تهیه می کند و زندگی آن جهان برایش ایجاد حسرت می نماید .

از همنشـینی با قمارباز بپرهیزید ، زیرا اهل آن مجلس محل خشم خدایند و هر ساعت در معرض غضب اند ، و چون نازل شود شما را هم خواهد گرفت(۱)

قمارباز چون به قمار بنشیند تمام همت و نیرویش متوجه بردن مال از

طرف مقابل است و برای این برنامه ناچار است ساعت ها معطل شود . مجالس قمار گاهی از اول روز تا غروب یا از غروب تا نزدیک صبح ادامه پیدا می کند و قمارباز خسته و درمانده در طول روز یا در طول شب چگونه می تواند به نماز قیام کند ؟ مگر قمارباز با نماز جمع می شود ؟

بت پرستی

بت پرستی یعنی روی گرداندن از تمام فضایل وآلوده شدن به تمام رذایل .

بتهایی که در معرض پرستش واقع شده اند و می شوند بر دو دسته جاندار

پاورقی

۱ وسائل الشعیه : ۶ / ۲۴۱ ، باب ۱۰۳ .

و بی جان اند : جاندار همانند فرعون و نمرود و شداد و یا گوساله و گاو و گوسپند و سایر حیوانات . بیجان مانند خورشید ، ماه ، ستارگان ، درخت و نبات ، سنگ و چوب و ساخته های دست خود انسان مانند لات ، هبل ، عُزّی ، پول و ...

این بتها در عین جانداری و بیجانی ، بتهای بیرونی اند ، و اما بتهای درونی عبارتند از هوای ، غرایز ، شهوات و ...

اینکه انسان به هنگام گرفتار آمدن به پرستش بتهای جاندار و بیجان ، درونی و بیرونی ، از تمام فضایل مخصوصاً عبادت حق و به ویژه نماز باز می ماند جای تردید نیست .

این نکته را هم نباید ناگفته گذارد که منشأ پرستش بتهای بیرونی آلودگی باطن است . این قلب و روح است که اگر تزکیه شود و با تعالیم آسمانی زنده گردد ، آدمی را از اسارت بتهای درون و بیرون نجات می دهد و او

را به اوج کمال می رساند ، ولی با غفلت زدگی دل و افسردگی جان ، آدمی در تنگنای پرستشهای غلط قرار خواهد گرفت . در این صورت از انسان اسیر نباید توقع حسنات و فضیلت و انسانیّت داشت .

ریا

ریا زاویه ای از شرک و نفاق است . ریاکار اگر بداند که مردم از برنامه اش آگاه شده و او را مدح می کنند ، به اجرای عمل برمی خیزد ، و گرنه زحمت انجام هیچ عبادتی را به خود نمی دهد . با این حساب ، مسئله اجرای نماز به وسیله ریاکار بسته به توجه مردم است ، اگر بدانند مردم از نمازش آگاه می شوند می خوانند ، و گرنه از قیام به این عبادت بزرگ خودداری می کند .

ریا در حقیقت شعبه ای از شرک و بت پرستی است . خداوند بزرگ در سوره ماعون به نمازخوانان ریاکار حمله کرده و نماز آنان را به هیچ انگاشته است .

[۸۹]

روایات باب ریا نیز زیاد و فوق العاده است ، پویندگان می توانند به کتابهای بحارالانوار ، محجّه البیضاء ، وسائل الشیعه ، کافی ، تحف العقول ، خصال و جامع السعادات مراجعه کنند .

ریا باطل کننده عمل است و عملِ با ریا در روز قیامت اجر و مزدی ندارد .

در شرح مصباح ملا عبدالرزاق گیلانی در باب ریا داستان مختصر ولی جالبی بدین مضمون نقل شده است :

* غریبی شبی در مسجدی نزول کرد ، سگی پش از او در گوشه مسجد خفته بود . چون ساعتی از شب گذشت سگ بر خود بجنبید ، آن غریب پنداشت که شخصی از اهل محله

است . به امید آنکه بامداد اهل آن محله را از حال خود خبر کند و او را در میان ایشان قبولی و شهرتی باشد بیوضو به نماز ایستاد و تا صبح دست و پا می زد و نماز بیوضو به جهت ریا می کرد . چون هوا روشن شد سگ گوشها جنبانید و از مسجد بیرون رفت . مرید همه شب را به طاعت مشغول بود ، چون بامداد شد بینی پر خاك و دامن و ریش پر باد ، به نظر شیخ آمد تا شیخ اصحاب را خبر دهد . شیخ آن کدورت بی صفا را مشاهده کرد ، گفت : امشب به کدام کوره مبتلا شده ای که تو را از جهود خیبر بتر می بینم ؟!

شرایط نماز

در کتاب فقهی و عرفانی و اخلاقی آورده اند که : نماز حقیقی است که با چهار هزار مسئله بدرقه می شود . و این کثرت مسائل ظاهری و باطنی دلیل بر موقعیت ممتاز نماز در میان عبادات اسلامی است .

می نمی دانم در شناساندن حقیقت این عمل مهم ملکوتی از کجا شروع کنم ، مانند کسی هستم که در کنار ساحل ایستاده و چشم اندازش دریای بی نهایت بزرگی است .

برای نماز دو نوع شرط بیان کرده اند : ظاهری و باطنی .

در این بخش خیلی فشرده و سادی به شرایط ظاهری و باطنی نماز اشاره می شود .

شرایط ظاهری :

طهارت که عبارت است از غسل و وضو و تیمم و رفع آلودگی از بدن و لباس و حتی الامکان تمام محلّ نماز .

احتراز از لباس ابریشم ، حریر ، و نیز طلا برای

مردان ، و دوری جستن از لباسی که از پوست و پشم و کرک حیوانات حرام گوشت تهیّه شده است .

مراعات وقت نماز ، بخصوص اول وقت ، و ایستادن در محلی که کسی یا

چیزی از جلوی آدمی عبور نکند .

قرار گرفتن به طرف قبله با تمام وجود و توجه داشتن به اینکه انسان می خواهد چه برنامه ای را اجرا کند و در برابر چه قدرت عظیمی ایستاده است .

خواندن بعضی از آیات قرآن قبل از ورود به نماز از قبیل :

(وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذِی فَطَرَ السَّماوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِیفاً وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِکِینَ)(۱) .

برداشتن دو دست تا محاذی گوش ، در حالی که دو کف به طرف قبله باشد .

مؤدب و موقّر قرار گرفتن در پیشگاه حضرت حق و چشم به محّل سجده دوختن ، مخصوصاً به قطعه خاکی که برای گذاردن پیشانی به روی خاک آن آماده شده است .

گفتن تکبیر و خواندن حمد و سوره با طمأنینه ، زیرا سرعت و عجله در نماز تمام بهره خدایی آن را از بین می برد .

رفتن به رکوع ، قرار دادن پیشانی به خاک در دو سجده همراه با دو کف دست ، دو زانو ، دو سر انگشت پا و تشهد و سلام ، با توجه به اینکه نماز صبح دو رکعت ، ظهر چهار رکعت ، عصر چهار رکعت ، مغرب سه رکعت ، و عشا چهار رکعت است .

این مسئله را هم توجّه دارید که در هر دو رکعت از نماز پس از قرائت حمد و سوره یک رکوع و دو سجده ، و در دو رکعت آخر نمازهای چهار

رکعتی ، خوانـدن یک حمد یا سه بار « سُبْحانَ اللّهِ وَ الْحَمْدُ لِلّهِ وَ لا اِلهَ اِلّا اللّهُ وَ اللّهُ اَکْبر » یا یک بار با توجّه به فتوای مرجعی که انسان از او تقلید می کند انجام می شود .

این است شرایط ظاهری نماز که از آن تعبیر به مقدّمات و مقارنات شده .

پاورقی

۱ انعام (۶) : ۷۹ .

شرایط باطنی

فیض بزرگوار در کتاب ارزشمند محجه البیضاء(۱) می فرماید : روح نماز بسته به شش حقیقت است :

۱. حضور قلب

۲. تفهّم

۳. هیبت

۴. تعظیم

۵. امید

۶. حیا

حضور قلب :

حضور قلب حقیقتی است که از تمرکز در برنـامه هـای نمـاز و توجّه عمیق انسـان به حق پدیـد می آیـد . چنـانچه در نماز فکر انسـان و حالاـت قلب مکلف ، میـدان جولاـنی جز یـاد محبوب داشـته باشـد ، حضور روی نخواهـد داد و روی جـان به جانب معشوق نخواهد شد و نمازگزار نخواهد توانست از عالم ملکوت کسب نور کند .

تفهّم :

تفهّم عبـارت است از چشـیدن معنـای نماز و دریافت لطایف الهی آن است ، لطایفی که به دست آوردنش انسان را مست باده عالم معنا می کند و قدرت عجیبی برای معراج روح به وجود می آورد .

پاورقی

۱ محجه البیضاء : ۱ / ۲۷۰ .

هیبت :

هیبت حالت خوف و ترس از مقام باعظمت الهی اس..که مبدأ..معرفت حقیقی به حقّ است ، و آن کس که از معرفت محروم است و به این خاطر توجّه به مقام دوست قلبش را تسخیر نکرده ، نمی تواند دارای هیبت باشد .

تعظیم :

ممکن است انسان یا مستمعی سخن بگوید و فکرش متوجّه او باشد و مفاهیم

کلمات را نیز بدانـد ، ولی برای او اهمیّتی قائل نباشد . مراد از تعظیم این است که علاوه بر حضور قلب و توجه به معانی لطیف باید نسبت به جناب او حالت تعظیم داشته باشد .

امید

چه بسا که انسان از صاحب مقامی بترسد ، اما به عنایت و لطف او امید داشـته باشد . نمازگزار علاوه بر تعظیم نسـبت به حق و خوف از مقام صاحب هستی باید به مولا امید داشته و از او متوقع لطف و کرم و رحمت باشد .

حیا

توجّه داشـته باشد که ذرّه ای ناچیز در برابر وجودی عزیز که بی نهایت است ایستاده ، و سراپای وجودش غرق در تقصیر است و وجودش عین عدم و عبادتش بی مقدار ، و بداند که حضرت حق بر درون و برونش آگاه است ، و توجه به تمام این امور را تمرین کند تا حیا از دوست در عرش جانش حاکم گردد .

[۹۷]

اذان

چون صـدای مؤذن را شـنیدی ، دل از نـدای روز قیامت پر از ترس کن و آستین ظاهر و باطن را برای جواب دادن به ندای حق بالاـ بزن و برای ورود به نماز عجله کن ، زیرا کسانی که با شـنیدن صـدای اذان از خود بیخود شـده و برای اجرای دسـتور حق شتاب می کنند ، روز قیامت مخاطب به ندای لطف و رحمت و احسان و مرحمت و محبّت و عنایت می شوند .

اذان را معیار نجات و عـدم نجات خود در روز قیامت بگیر : اگر با شـنیدن آن دلت شاد شـد و غرق در نشاط گشتی امیـد اهل نجاتی ، ورنه به علاج خود برخیز

که دل و جان دچار مرض است . به این معنا توجه داشته باش که رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) نزدیک وقت اذان به بلال می فرمود :

* اَرِحْنا یا بَلالُ .

مؤذن من ! با گفتن اذان برای قلب ما شادی به وجود آور .

اذان با نام خدا آغاز می شود و با نام او به پایان می رسد ، یعنی که اول و آخر اوست . به وقت شیندن الله اکبر دل را در گردونه تعظیم کردن به حق بیاور و بدان که بزرگی غیر او وجود ندارد و غیر او چیزی وجود حقیقی ندارد ، که اگر به این معنا توجه نکنی در حقیقت تکبیر نشنیده و تکبیر نگفته ای .

وقت

به هنگام رسیدن وقت نماز ، توجه داشته باش که موقعیت بسیار والایی است که حضرت دوست برای انجام بندگی تو قرار داده و زمان چنگ زدن به عوامل نجات است ، پس گشاده رو و دلشاد باش ، زیرا وسیله نزدیکی به حق فراهم

[۹۸]

شده . بعضی از زنان پیامبر می گویند : رسول حق با ما حرف می زد و ما با او سخن می گفتیم ، چون وقت نماز می رسید انگار ما را نمی شناسد ، و ما هم نسبت به او بیگانه ایم .

امیرالمؤمنین (علیه السلام) به هنگام دخول وقت لرزه بر اندامش می افتاد و به خود می پیچید . عرضه داشتند : چه شده ؟ می فرمود : وقت ادای امانتی رسیده که به آسمانها و زمین و کوهها ارائه کردند ولی آنها از قبولش سربرتافتند .

حضرت زین العابدین (علیه السلام) وقت نماز رنگ از

چهره اش می رفت و به زردی می گرایید .

طهارت :

تو که مکان نماز را پاک کردی و لباس و بدن را شستشو دادی و آنچه مربوط به ظاهر بود آراسته نمودی ، آیا توجه به قلب و روح و مغز هم کردی ؟ آنجا طهارت نمی خواهند ؟

پاکی جان و طهارت نفس با توبه و پشیمانی از گذاشته غلط و اراده ترک گناه در آینده میّسر است . پاکی درون را از یاد مبر که خداوند بزرگ به درون نظر خاص دارد .

ستر عورت

پوشاندن بدن به خاطر این است که خلق از دیدن قبایح و نقایص بدن دور باشند . آری ! انسان خجالت می کشد که بیننده محترمی عیوب ظاهری او را بنگرد . اینجاست که از رسواییهای درون و رذایل اخلاقی و بدفکری ها و ... انسان باید با تمام وجود بنالد و از غصّه بمیرد . برنامه هایی که به طور دائم در معرض دید حق است . باید آلودگی های باطن را با پشیمانی و حیا و ترس از خدا

[۹۹]

و خوف از عذاب قیامت از مملکت درون زدود . حضرت صادق (علیه السلام)می فرماید :

* زیباترین لباس برای انسان لباس خویشتشنداری از گناه است .

مکان

تصوّر کن در پیشگاه عدالت قرار داری و محّل رسیدگی به حساب است ، اگر پرونده ات سراسر از کثرت گناه سیاه بود چه می کردی ؟

توجّه داشته باش که بهترین مکان برای نماز مساجد و مشاهد مشرّفه است ، زیرا خداوند مهربان این گونه مکانها را محل اجابت دعا و مرکز رسیدن رحمت و لطف و محبت و عنایت به بندگان قرار داده است .

امام

ششم (علیه السلام) می فرماید :

* چون به مسجد رسیدی ، آگاه باش که اراده ورود بر پادشاه بزرگی داری . پادشاهی که جز پاکان بر بساطش راه ندارد و غیر راستان و اهل صدق اجازه مجالست با او برایشان نیست .در آنجا به عجز و ناتوانی اقرار کن و به بیچارگی خویش توجه داشته نما و از حضرتش طلب رحمت کن . او وجودی است که از همه کس به تو مهربان تر است و آماده قبول عمل با اخلاص ، اگر چه کم باشد .

قبله

قبله جهتی است که ظاهر بدن باید به طرف آن قرار گیرد ، و ظاهر اسوه ای است برای باطن . بنابراین ، فکر و روح و قلب را به طرف صاحب قبله قرار ده و به کلام رسول اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) توجه کن که فرمود :

* هنگامی که عبد به نماز برمی خیزد و اراده و قلب را متوجه خدا می کند مانند روزی است که از مادر متولد شده است .

حضرت صادق (علیه السلام) می فرماید :

* چون به سوی قبله قرار گرفتی از دنیا و هر چه در آن است ناامید شو ، دل از غیر او برگردان بزگی حق را بر جان و دل قرار بده ، به یاد روز قیامت باش و بین امید و ترس قرار بگیر .

کعبه یک سنگ نشانی است که ره گم نشود

حاجی احرام دگر بند ببین یار کجاست

ترجمه نماز

توضیح

« نیت » قصد قلب و توجه دل و جهت گیری روح به سوی حضرت معبود است و این که نمازگزار می خواهد راهی را بپیماید که از

پاکی جان و رهایی از حقّ النّاس و دوری از رذایل اخلاقی شروع می شود و به خشنودی و رضایت حق پایان می یابد .

در حقیقت ، نمازگزار قصد دارد نماز را راه رسیدن به اخلاق الهی قرار دهد و خویش را از نظر علم و عمل و کار و کوشش و نیّت و اعتقاد به مقام باعظمت خلیفه اللّهی برساند .

روشن است که هر کس از انجام کارش قصد و هدفی دارد ، نمازگزار همه باید از اجرای این عمل خدا را قصد کند و حضرت او را هدف قرار دهد ، و به وسیله این عمل باید اراده کند که خود را به اوج حقیقت و به مرز فضیلت برساند و به قول قرآن مجید در پایان سوره کهف باید به سبب عمل صالح (که یکی ازم مهمترین مصادیقش نماز است) و نیز با طرد و نفی تمام معبودهای باطل و بتهای درونی و بیرونی ، به لقای حق برسد و در دریای رحمت دوست غرق گردد .

اگر چنین نیّتی نماز را تا به آخر بدرقه کند ، آن نماز آدمی را از تمام فحشا و منکرات باز داشته و از انسان موجودی الهی و ملکوتی می سازد که با تمام

وجود حقوق خدا و خلق را به رعایت برخیزد .

راستی اگر انسان نماز بخواند ولی در نیّت و قصدش پذیرفتن واقعیّات نماز نباشد واقعیّاتی که عبارت است از باور کردن یگانگی حقّ و مالکیّت و کارگردانی او نسبت به تمام هستی ، رحمانیّت و رحیمیّت بی نهایت در بی نهایت ، وجوب شکر او ، اعتقاد به روز حساب ،

تسلیم بودن در برابر ذات مستجمع جمیع صفات کمال ، لزوم کمک گیری از او در تمام شؤون حیات ، وجوب تبعیّت از انبیا و امامـان و دوری گزیـدن از حالاـت و اخلاـق مغضوبین و گمراهـان بی شـک بـا عـدم الهام از این حقایق ، نمازگزار نیّت نماز نکرده و وارد حوزه نماز نشده و در حقیقت زحمات تمام انبیا و اولیا را نادیده گرفته و به خود و دیگران ستم روا داشته است .

و اگر از ابتـدای نمـاز در نیتّش باشـد که واقعیّات نماز را در زنـدگی خود تحقق بخشـد ، روح و نفس و مغز و قلب به تـدریج آماده قبول تمام حقایق نماز می شود و پس از مدتی انسان منبع حقایق و ظرف واقعیّات می گردد .

حضرت صادق (علیه السلام) در توضیح نیّت می فرماید :

* نیّت خالص و پاک که منشأ آثار پربرکت است ، از دل پاک و خالی از وساوس شیطانی توقع می رود ، چه این که سلامت دل از آلودگی هـا و رذایـل همچون حرص ، بخـل ، کبر ، حسـد ، عُجب ، نفاق ، کینه و ... علت پاکی نیت و خلوص قصـد و اراده است .

خداوند در قرآن مجید می فرماید :

* (يَوْمَ لاَ يَنفَعُ مَالٌ وَلاَ بَنُونَ * إِلاَّ مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْب سَلِيم)(۱) .

آنچه در روز قیامت به شما سود می بخشد دل سالم است نه مال و فرزندان .

رسول الهی (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود :

* نیّت مؤمن از عملش بهتر است .

فلسفه این سخن این است که چون نیّت به منزله ریشه عمل است پس

سلامت ریشه است که مایه سلامت فرع است و در صورتی که ریشه سلامت نداشته باشد عمل از سلامت بی بهره است .

و نیز آن حضرت فرمود :

* ارزش اعمال به نیّات شخص بستگی دارد و محاسبه عمل هر انسانی بر محاسبه نیّت او قرار دارد(۲) .

عبد وقتی می تواند حقیقت بندگی و آثار عبادت را از خود ظهور دهد که در تمام حرکات و سکنات نیّتش برای خدا باشد ، و اگر نیّت برای خدا قرار نگیرد غافل است و غافل به فرموده قرآن مجید (کَالْاَنْعام)است(۳) .

امام (علیه السلام) در باب نیّت کلام حکیمانه اش را بدین صورت ادامه می دهد :

* نیّت از قلب است ، چنانچه دل خانه نور و پاکی باشد نسبت به خلوص در نیت نزدیکتر است ، و اگر قلب از یقین و ایمان و باور و نورانیّت و احوالات الهیّه دور باشد پدید کردن نیّت خالص با چنین قلبی کار مشکلی است .

پس نمازگزار قبل از نیت ، لازم است خانه دل را از تاریکی و ظلمت و جایگزینی شیطان و وسوسه پاک کند تا بتواند دل و نیّت را به پیشگاه حق ببرد .

حضرت می فرماید :

* صاحبان نیّت خالص ، به خاطر حق با خواسته های غلط نفس در مبارزه اند ، و یکی از آثار فوق العاده نیّتِ خالص حیاست ، زیرا آن کس که در هر کاری قصد خدا دارد ظاهر و باطن خود را برای خدا یکسان سازد و با داشتن قصد پاک ، حیا می کند که حق خدا را آنچنان که هست بجا نیاورد .

صاحب نیّت خالص در رنج

است تا دیگران در راحت باشند ، زیرا آن کس که در نماز و در هر عملی نیّت قرب الی اللّه دارد باید خویش را به تمام پاکی ها آراسته کند و از رذایل دور بدارد و در کنار چنین نیّتی مجبور به رعایت حقوق انسان هاست ، و این نیست جز برای راحت دیگران خود را به زحمت انداختن ، و بدین گونه است که انسان با رعایت حق خالق و مخلوق ، لایق مقام قرب می شود .

اللّهُ اَکْبَر

خداوند بزرگر از آن است که به وصف درآید ، وجود مقدّس او اکبر از کلّ شیء است و چیزی در برابر حضرت او بزرگی ندارد ، و چون چنین است دل برداشتن از او و دل بستن به غیر آن محبوب ، عین ضلالت و گمراهی است .

راستی ذرّه کوچکی چون انسان در برابر عظمتی بی نهایت در بی نهایت چگونه نیروی وصف و توان تعریف دارد ؟

به هنگام گفتن تکبیره الاحرام باید محور دیدار و فانی در عظمت دوست شد ، بمانند کسی که برای حج حقیقی احرام بسته و از همه چیز جز معشوق چشم پوشیده .

احرام ببسته ام به کویت لبیک زنان به جستجویت

بالاـ بردن دست تا برابر گوش به وقت گفتن اللّه اکبر به این معناست : ای امید همه عالم ! ای پناه هستی ! و ای مالك و مربّی تمام موجودات ! در این وقت که به سوی تو در حرکتم ، دنیا و هر چه در آن است پشت سر گذاشته و بدون اینکه در راه سفرم مانعی باشد به سویت در پروازم .

اگر پس از تکبیره

الاحرام ، باز غرق در خیالات و اوهام و برنامه های مادّی و دنیایی باشی از سفر باز مانده ای و به معراج مردم مؤمن و اولیای الهی نخواهی رسید .

چنین نمازی که مخلوط با برنامه های غیر حق است بنیادش سست و بنیانش بر الفاظ خشک است ، و تنها سودش ساقط شدن تکلیف و خروج از صف بی نمازان و مزدش اندک و بهره اش به حقیقت ناچیز است .

بِسْمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَحیمِ

این آیه مبارکه و این جمله ملکوتی تعلیمی است به همه بندگان که هر کاری را به نام و به یاد حضرت او شروع کنند و بی شک عملی که به نام اللّه که دارای جمیع کمالات و پاک از هر عیب و نقص و مبدأ تمام حقایق و برنامه های مثبت است ابتدا می شود ، انجامش به خیر و سلامت و عامل سعادت دو جهان است .

گفتن بِسْمِ اللّه و درک مفهوم آن و اتّصال به مسمّایش که حضرت محبوب است در حقیقت ، قرار گرفتن در پناهگاهی است که تمام موجودات در همه زمینه ها نیازمند به آنند . و چه پناهی بالاتر و برتر از خداوندی که دستگیر و یار و مددکار و پناه دهنده و اطمینان بخش به نیازمند و درمانده است ؟

راستی عجز و ناتوانی ، فقر و ذلّت ، مسکنت و حیرت ، نداری و ظلمت و اضطرابی که با تمام انسان ها همراه است ، آیا جز با پناه بردن به حق و اتصال دادن هر کاری به او و شروع هر عملی به نام و به یاد او قابل جبران

است ؟!

« اللّه » : ذات پاک و منزّهی است که صاحب جمیع صفات کمال است و جامع همه حقایق و فاقد همه نواقص .

آدمی با روی آوردن به او ، به نهایت بزرگواری و کرامت و شرف و فضیلت و حقیقت و عزّت می رسد و به رفع و دفع نیازمندیها و عیوب و نقایصش موفّق می گردد .

این است قدرت نماز و حقیقت این عبادت ، که اگر غیر این باشد نماز نیست . به حقِّ حق قسم که اگر به وسیله نماز دردهای فکری و روحی و خانوادگی و اجتماعی و درونی و بیرونی معالجه نشود ، اقامه نماز نشده ، بلکه الفاظی عربی با زبان تکرار شده و به قول فقهای بزرگ اسقاط تکلیفی به انجام رسیده است .

اگر ارتباط روحی و قلبی با ذات جامع کمالات برقرار گردد ، تمام عیوب و نقایص رفع می شود ، که این رفع عیوب ، خاصیّت طبیعی این ارتباط است .

اگر ارتباط و اتصال حقیقت داشته باشد ، به تدریج عیوب و نقایص و فحشا و منکرات برطرف می شود و آثار فیض و عنایت و تحقّق صفات الهی در انسان نمودار می گردد .

چونان که تشنه با اتصال به آب و گرسنه با خوردن نان تشنگی و گرسنگی اش برطرف می شود ، ناقص هم در ارتباط با مبدأ کمالات ، نواقص فکری و روحی و قلبی و اخلاقی اش برطرف ، و با فنای در صفات و کمالات اللّه کامل می شود .

« اَلْرَحْمن »وجود مبارکی که به تمام موجوداتی که آفریده ، به مقتضای استعداد و لیاقت هر یک ،

عنایت و لطف دارد و سفره روزی آنان را بدون هر قید و شرطی از باب رحمت و محبّت گسترده و بر این خوان یغما دوست و دشمن را نشانده و به همه اجازه بهره برداری و سود بردن از این دریای بیکران نعمت را مرحمت فرموده است .

« اَلْرَحْیم » : به مردمی که دارای ایمان و عمل صالح اند دارای لطف خاص است و به آن انسان هایی که در دنیا از هدایت او بهره گرفتند و تسلیم خواسته های انبیا و ائمه شدند ، مزد آخرتی و منفعت ابدی و سود سرمدی عنایت می فرماید ، و این عنایت شامل آنان که از ایمان و عمل صالح دورند نمی شوند ، چنانکه قرآن مجید فرموده است :

* (...إِنَّ رَحْمَتَ اللّهِ قَرِیبٌ مِنَ الْمُحْسِنِینَ)(۴) .

به حقیقت که رحمت خدا نزدیک به نیکوکاران است .

در تفسیر کشف الاسرار است :

اما حکمت در آن که ابتدا به اللّه کرد ، سپس به رحمان ، پس به رحیم ، آن است که این بر وفق احوال بندگان فرو فرستاد ، و ایشان را سه حال است : اول آفرینش ، پس پرورش ، پس آمرزش . الله اشارت است به آفرینش در ابتدا به قدرت ، رحمان اشارت است به پرورش در دوام نعمت ، رحیم اشارت است به آمرزش در انتها به رحمت . چنان است که اللّه گفتی اول بیافریدم به قدرت ، پس پروریدم به نعمت ، آخر بیامرزم به رحمت .

در اینجا باید توجه داشت که برابر با قول قرآن و سنّت ، رحمت حق شامل مردمی است که وجود

خود را شامل مردمی است که وجود خود و نعمت های حق را در راه محبوب به مصرف گذاشته و از ایمان و اجرای دستورهای الهی برخوردار بودند :

الهی ! نام تو ما را جواز و مهر تو ما را جهاز . الهی ! شناخت تو ما را امان و لطف تو ما را عیان . الهی ! فضل تو ما را لوا و کَنَف تو ما را مأوا . الهی ! ضعیفان را پناهی ، قاصدان را بر سر راهی ، مؤمنان را گواهی ، چه بود که افزایی و نکاهی ؟ الهی ! چه عزیز است او که تو او را خواهی ، ور بگریزد او را در راه آیی ، طوبی آن کس را که تو او رایی ، آیا که تا از ما خود کرایی(۵) .

« بِسْمِ اللّه » آغاز تمام سوره های قرآن جز سوره توبه است ، و مردم مسلمان مأمورند در ابتدای تمام برنامه های خود آن را بگویند . و گفتن این جمله و توجه به مفهومش به خاطر این است که روی دل و فکر انسان از غیر خدا برگردد ، و هر کار و عملی به یاد خدا و به نام او شروع شود ، تا همچنانکه آغاز کار اتصال به خیر مطلق داشت ، انجامش نیز به محصول و ثمر بنشیند .

اَلْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمینَ

اشاره

« شکر » سپاسگزاری در برابر نعمت است بدون توجه به مقام منعم ، « مدح » ستایش ممدوح است به خاطر جمال و کمالی که دارد بدون توجه به نعمت و احسان منعم ،« حمد » جامع معنای شکر و مدح

است . حمد یعنی سپاسگزاری در برابر تمام نعمت ها با توجه به مقام عالی منعم که جامع تمام صفات کمالیّه است .

در این جمله یعنی هر شکر و مدحی چه با زبان بیان ، و چه با زبان عمل و چه با زبان وجود مخصوص ذات با کمالی است که مالک و تربیت کننده تمام اجزاء هستی است .

باید حمد و ستایش را تنها برای مبدأیی دانست که لطف تربیتش سراسر جهان و همه موجودات را فرا گرفته ، هر ناتوانی را توانا می گرداند ، هر بی جانی را جان می بخشد و فراخور احتیاجش ساز و برگ زندگی به او می دهد واز آنچه هست برترش می سازد تا به جمال عقلش می آراید ، آن گاه برای تکمیل تربیت ، پیامبران را برمی انگیزد و شرایط و قوانین فراراهش می گذارد و تربیت تکوین را با تشریع تکمیل می کند .

بدین جهت در قرآن کریم که ظهور تربیت و اراده حق است ، آیات تکوین و تشریع با هم آمده و همه را آثار قانون تربیت « ربّ العالمین » می شمارد .

با بیان این حقیقت ، معلوم می شود که حمد به اندازه پهنای جهان بزرگ از نظر مفهوم توسعه دارد .

هر چه بیشتر اسرار جهان باز شود و خرد انسان پیش رود ، مجهولات نظام طبیعت بیشتر معلوم می گردد و حقیقت حمد و توجه به ربوبیّت جهان بیشتر تحقق می یابد و معنا و واقعیّت آن عمیق تر و وسیع تر می گردد .

به راستی توجه به مالک و ربّ عالم و مسئله تربیت موجودات که

وقف حریم کبریـاست و سازمـان وجودی عـالمین ، اعم از جمـاد و نبـات و حیوان و انسان ، امری بسـیار لازم و حقیقی واجب است .

کافی است که درک اسـرار وجودیِ کوچکترین ذرّه عالم آدمی را به خضوع و خشوع و شـکر و سپاس در برابر مالک و مربّی جهان وادارد ، چه رسد به اینکه واقعیّات بیشتری از جهان بالا یا اسرار نباتات و حیوانات و وجود انسان برای ما کشف شود ، و چه نیکو است که نمـازگزاران عزیز هر یـک از چهـار جهـان حیرت انگیز : جهان بالا و نبات و حیوان و انسان ، مسائل کلی را در نظر بگذرانند تا از این پس بدانند در برابر چه مالک و مربّی عظیمی به عبادت و خضوع و بندگی می ایستند !!

جهان کیهان

فیزیک نجومی به ما می آموزد که آسـمان صاف و بی ابر ، مجموعه پهناوری است مرکب از خورشـیدهای بی شمار که مانند مولکول های گازی که به جنبش آورند ، در جهان بسیار متفاوت ، به طور شتابان رفت و آمد دارند .

« نَسْرِ واقِع » با سرعت ثانیه ای ۱۳ کیلومتر به ما نزدیک می شود ، « اَلْدَبَران » ثاینه ای ۵۳ کیلومتر از ما دور می شود ، « سِماک رامِح » با سـرعت ثانیه ای ۱۳۵ کیلومتر مسـیر مورّبی را می پیمایـد ، دو سـتاره آخرین دُبّ اکبر به یک سو می رونـد ، در عین اینکه ستارگان دیگر این صورت فلکی با سرعت غیر قابل تصوری به جهت مخالف روانند .

منظومه شمسی ما نیز از این سرنوشت مستثنی نیست : خورشید با سرعت ثانیه

ای ۱۹ کیلومتر واله و حیران به سوی کناره کهکشان ما روان است و در این راه بی پایان زمین و سیارات دیگریرا که موکب او را تشکیل می دهند با خود می برد ، و در همین حین ، یک دستگاه منظومه شمسی همراه کهکشان که یکپارچه مانند چرخ فلک آتشبازی عظیمی به دور خود می چرخند ، قوس بزرگی به سرعت ثانیه ای ۲۴۰ کیلومتر را طی می کند .

خورشیدی که هم اکنون مقابل دیدگان ماست در حالی است که نسبت به عمر کهکشان یا عالم هشت دقیقه پیش بوده ، با توجه به این که زمین خیلی جوان تر از خورشید است و در حدود ۴ میلیارد و پانصد میلیون سال از عمرش گذشته .

شِعْرای یمانی نه سال جوان تر به نظر می رسد . خوشه پروینی که تماشا می کنیم منظره پانصد سال پیش آن است .

در شب صاف بی ماه ، با چشم بی سلاح در صورت مرأه المسلسله قطعه ابر مانندی به بزرگی قرص ماه می توان تشخیص داد که نور ضعیفی می پراکند . این توده ابر مانند ، ستارگان سحابی است . خارج از کهکشان وضعی که اکنون از آن به نظر ما می رسد آن چنان است که در دو میلیون سال پیش داشته . از آن زمان تا کنون بر ستارگان بی شمار آن چه گذشته در این باره هیچ چیز نمی توان گفت .

کهکشان مرأه المسلسله آخرین مرز دید بشر است ، اما با کمک تلسکوپ می توانیم میلیاردها سال نوری پیش برویم .

انواری که اجرام این جهانِ دور می پراکنند به « نور

فسیل » موصوف شده اند . البته این انوار بر بیشتر فسیلهایی که در سرزمین بدست آمده اند مقدمند .

شگفت آنکه نوری آنچنان ضعیف که ورقه شفّاف نازکی یا ذرّه غباری مانع تابشش می شود ، با سرعت ۳۰۰ هزار کیلومتر در ثانیه ، صد میلیون کیلومتر راه پیموده است . ظهور همین انوار که از بسیار دور به ما می رسند خلأ نسبی فضا را ثابت می کند و تصویری از عظمت دستگاه آفرینش را « که دخالت عظیمی در کارگردانی حیات همه موجودات دارد » آشکار می سازد ، و اینجاست که انسان را با تمام وجود وادار می کند فریاد بزنند : (اَلْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمین) .

با تقسیم آسمان به چندین بخش ، و عکسبرداری از هر بخش ، ممکن خواهد بود که ستارگان گنبد نیلگون را شماره کرد . در رصدخانه ها این کار می شود . مثلا در رصدخانه دانشگاه هاروارد ، کلیشه ای که ۳۵ در ۴۵ سانتی متر مساحت دارد بیش از دو هزار کهکشان را نمایان می سازد ، اما شمار کهکشان هایی که جهان را تشکیل می دهند در حدود پانصد میلیون است .

در هر کهکشان چند ستاره وجود دارد ؟ قطاعهای چندی از کهکشان منظومه شمسی را شمرده اند . یک منجّم جوان ، بیش از دو میلیون ستاره جدا از یکدیگر شمرده است . به موجب این رصدها و آزمایشهای دقیق ، ستاره های یک کهکشان ما فقط بالغ بر صد میلیارد است !

توجه به این حقایق از طرف انسان منصف و خردمند است که او را به تعظیم در برابر جلال

و جبروت ربِّ عالمین وامی دارد و از او می خواهد که با تمام هستی ظاهر و باطنش بگوید :(اَلْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمین) .

در فهرست کتاب علم و زندگی عناوین شگفت آوری را درباره اوضاع هستی و مسائلی که در اطراف می گذرد و آنچه در حیات ما مؤثر است و چیزی جز جلوه ربوبیّت حضرت رب العالمین نیست ، بدین صورت می خوانیم :

آب به چه شکل هایی یافت می شود ؟ آب از چه چیز ترکیب شده ؟ چگونه آب برای ما کار انجام می دهد ؟ چگونه آب در هوا وارد می شود و چگونه از آن خارج می گردد ؟ موجبات وزش باد چیست ؟ چگونه رطوبت هوا در وضع جوی تأثیر می کند ؟ موجب اختلاف آب و هوا در نقاط مختلف چیست ؟

عمر زمین چقدر است ؟ چه نیروهایی باعث تخریب زمین می گردد ؟ چه نیروهایی سبب پیدایش کوهها می گردد ؟ خاک چگونه تشکیل می گردد ؟

چه فلزات سودمندی از زمین بدست می آیند ؟ چه سوخت هایی از زمین می گیریم ؟ کدام مصالح ساختمانی را از زمین بدست می آوریم ؟

حرارت چطور به وجود می آید و چگونه اندزه گرفته می شود ؟ حرارت چگونه اداره می شود ؟

نور چیست ؟ اشیاء را چگونه می بینیم ؟ چرا اشیاء رنگ دارند ؟ الکتریسیته ساکن از کجا می آید ؟ چگونه از مغناطیس استفاده می کنیم ؟ جریان برق چگونه تولید می شود ؟ چگونه جریان برق به ما می رسد ؟

چگونه صوت بوجود می آید ؟ صداها با هم چه تفاوت هایی دارند

؟ چگونه می توانیم بشنویم ؟

چگونه در خشکی مسافرت می کنیم ؟ چگونه روی آب سفر می کنیم ؟ موجب پیدایش فصول چیست ؟ گیاهان و جانواران از چه ساخته شده اند ؟ بدن گیاهان و جانوران چگونه ساخته شده است ؟ جانوران و گیاهان چه کارهایی می توانند انجام دهند ؟ گیاهان چگونه برای انسان مفیدند ؟جانوران چگونه تکثیر می شوند؟جانوران چگونه تولید مثل می کنند ؟

چرا ما به غذا احتیاج داریم ؟ به چه نوع غذاهایی نیازمندیم ؟ چگونه گیاهان سبز غذای ما را می سازند ؟ غذای ما چگونه هضم می شود ؟ غذای هضم شده چگونه به تمام اعضای بدن می رسد ؟ انرژی چگونه در بدن تولید می شود ؟

جواب هر یک از این سؤالات کتاب مفصّلی لازم دارد ، و به قول فخر رازی عالم بزرگ قرن پنجم برای شمردن نعمت های الهی ، یک میلیون کتاب هم کفایت نمی کند .(۶) به راستی در برابر این مالك و مربی ، با کمال معرفت باید گفت :(اَلْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمین) .

جهان نبات

این جهان ، به حقیقت جهان شگفت آوری است و شرح هر زاویه ای از این عالم کتاب ها لازم دارد . در این قسمت نیز به عناوین اوضاع جهان نبات برای توجه بیشتر به جلال و جمال حضرت ربّ العزّه قناعت می شود :

حسّ و حیات نباتات ، سلول نبات ، عناصر تشکیل دهنده سلول ، خاصیت هر از عناصر ، ترکیب هسته ، غشاء سلول ، اعمال فیزیکی آن ، کیفیت تولید نیرو ، چگونگی تغذیه نباتات ، اسرار مرموز نموّ متناسب ، تولید

و تکثیر ، نسوج نباتی ، جهازات داخلی هر یک ، خواص طبیعی آنها ، کیفیت ساختمان ریشه ها با هم ، طبقات ریشه ها ، استواری آنها ، کیفیت جذب آب و املاح ، جریان شیره خام ، دفع موادّ زائد ، کیفیت دفع مبارزه ریشه ها با هم ، ساختمان کلاهک یا سپر بر سر آنها ، عناصر ترکیب کننده آنها ، عملیات فیزیکی هر یک ، تأثیر خاص رطوبت و حرارت و نور در نباتات ، دستگاههای گیرایی این قوا در گیاه ، وسایل تنفس گیاه ، ساختمان برگ ، ترکیبات و طبقات و انواع آنها ، برگهای خاردار ،عمل لقاح ، ابزار و وسایل لقاح ، باده ها و امواج مأمور ، حساسیت خاص برخی از نباتات ، تعاون گیاهان نسبت به هم ، درختهای گوشتخوار ، نظام توارث در آبی صحرایی ، مقاومت گیاهان در برابر امراض ،امراض گیاه ، مرگ گیاه .

هر یک از این عناوین خود موضوع علم خاصی است و دارای میلیاردها قانون و نظام مستحکم می باشد . به حقیقت که با کمال شعور و معرفت در برابر این همه عنایت حضرت حق باید گفت :(اَلْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمین) .

جهان حیوانات

تنها در قسمت حشره ، تاکنون حشره شناسان نزدیک به هفتصد هزار نوع حشره احصا کرده اند . شماره حشرات به اندازه ای است که ارقام برای بیان آن قاصر است . در یک روز تابستانی که هوا صاف باشد ، شماره سوسکها ، مگسها و خرخاکیها که در بریدگی های تپه ای برای نظام حیات در تکاپو هستند از عده نفوس یک قارّه

بیشتر است . اگر ناگهان نژاد بشر به کلی از روی زمین معدوم شود ، مخلوقات دیگری که بر روی زمین می لولند به زحمت متوجه غیبت او خواهند شد .

ژان هانری فابر دانشمند نامی فرانسه همیشه می گفت : تدبّر در ساختمان پیکر حیوانی کوچک چون مور و تشکیلات منظم حیاتی آن ، میلیاردها انسان را به سوی خدا رهبری می کند .

همان تحیّر و اعجابی که در جهان فضا و کواکب و عالم نباتات بر آدمی چیره می شود ، چندین برابر آن در جهان حیوانات به آدمی دست می دهد . این که می گوییم چندین برابر آن ، به خاطر آن است که خورشید با آن هم عظمت فاقد عنصر حیات و حس و اراده است ، اما در جهان حیوانات عنصر ناشناخته حیات با همه پیچیدگی و ابهامش و با تشکلیلات وسیع و عظیمش ، بر سایر عجایب عالم ماده افزون گردیده است .

در جهان حیوانات تشکیلات وسیع موجودات ذرّه بینی چون ویروس ها و باکتری ها و سایر موجودات ذرّه بینی یا میکرب ها ، گروههای گوناگون آنها ، آثار مختلف حیاتی آنها ، نقش یکایک اصناف آنها در سازمان این عالم خاصه در وضع حالات بشری ، میکربهای امراض ، میکرب های زحمتکش و خدمتگزار ، حشرات ریز ، سازمان حیاتی آنها ، قدرت احساس آنها ، کیفیت توالد و تناسل گوناگون سراسر جانداران ، تخم گذاری ، تلقیح یا ترکیب تخم نر و ماده ، حمل ، تقسیم ، اسرار اسپرماتوزوئید ، اسرار اوول ، تشکیلات کرموزوم ها ، ژن ها ، خزندگان ، پرندگان ، پستانداران

، حیوانـات آبی ، چهارپایان ، سازمان و ساختمان یکایک آنها ، نظامات زنـدگی آنها ، عواطف و احساسات آنها ، و میلیاردها میلیـارد موضوع دیگر وجود دارد که هر یـک از آنهـا ،رشـته ای است طولانـی و بس پرپیـچ و خم که علوم گوناگونی به بیان اسرار و نظامات این موجودات و سازمانهای آنها پرداخته اند .

اینجاست که باید با کمال تواضع و فروتنی در برابر خالق هستی به نماز ایسـتاد و با فریاد جان به پیشگاه مبارکش عرضه داشت :(اَلْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمین) .

جهان انسان

به شاهکارها و تمامی اسـرار خلقت آدمی ، تنها آفریدگار بزرگ آگاه است ، ولی تا همان مقداری که بشر بر آن علم دارد از صدها کتاب قطور تجاوز می کند .

نظامات و قوانین اسـتخوآنها، اشـکال گوناگون اسـتخوان ، اسـتخوان های مسطّح ، اسـتخوانهای دراز و کوتاه ، با مفصل و بی مفصل ، مفصل ها ، حفرات اسـتخوانی ، جدارهای اسـتخوانی ، نسج اسـفنجی استخوآنها ، تغذیه استخوآنها، ترکیبات شیمیایی آنهـا ، غضـروف هـا ، شـکل هـای گوناگون و عناصـر ترکیبی آنها ، شـرح یکایک عضـلات بـدن و ماهیچه ها ، کیفیت عمل انقباض و انبساط در عضـلات ، عضـلات جبهه ، عضـلات بالا کشـنده یا جمع کننده ابروان ، عضـله پلک ها ، عضلات دماغ ، عضـلات لبها ، عضلات سینه ، سلولهای تشکیل دهنده عضلات ، نوع سلول ها ، برجستگی های زیر پوست یا مراکز قوّه لامسه ، اسرار درون این برجستگی ها ، پاپیل ها ، حس ذائقه ، مراکز گیرایی آن ، پاپیل های زبان ، قوه سامعه ، تشکیلات گوش

خارجی ، خیمه گوش ، لاله گوش ، سوراخ متناسب با گوش ، پرده صماخ ، مایع سمّی درون آن ، عناصر ترکیبی این مایع ، دریچه های گوش وسطی ، مجرای شیپور اُستاش ، استخوانهای چکشی ، سندانی ، عدسی ، رکابی ، گوش داخلی ، دهلیز آن ، سه نیم دایره استخوانی ، لوله مارپیچی ، مایعات درون هر یک ، عناصر ترکیب کننده هر یک از مایعات ، قوّه شنوایی ، صوت ، اسرار صوتی ، امواج ، ارتعاشات موجی ، قوّه باصره ، تشکیلات ظاهری چشم ، پلک ، صفوف مژه ، غدد اشک ، مجاری دهگانه اشک ، انتر اشک ، شستشوی چشم با اشک ، کره چشم صلبیّه ، قرنیه ، شفّافی قرنیه ، کیفیت عبور نور ، مردمک ، رنگ عنبیّه ، اسرار این رنگ و رنگها ، شبکیّه ، جلیدیّه ، نقش مایع زلالیّه ، مایع زجاجیّه ، عناصر ترکیب کننده مایعات ، اسرار درون یکایک طبقات چشم ، کیفیت دید ، بحث نور ، معمای نور ، دستگاه عظیم گوارش ، معده ، روده ها ، غدّهای ترشّحی ، مرکز صفرا ، دهان ، حلق ، لوله هاضمه ، تشکیلات یکایک آنها ، کیفیت هضم غذا ، دستگاههای تنفسی ، بینی ، حنجره ، قصبه الریه ، نایژه ها ، برونش ، ششها ، حبابهای ریوی ، رگهای خونی ، کیفیت جذب اکسیژن ، علل احتراق ، تولید حرارت ، مقدار حرارت ، اسرار و تشکیلات یکایک آنها ، خون ، اسرار خون ، کیفیت پیدایش خون ، گلبولهای سفید ، گلبولهای قرمز ، عدد هر

یک ، دستگاههای گردش خون ، قلب ، اسرار قلب ، شریانها ، وریدها ، مویرگها ،گردش بزرگ خون ، گردش کوچک خون ،دستگاه دفع مواد زائد ، سازمان آن ، لوله کشی بدن ، دستگاه تولید ، نطفه سازی ، ماهیت نطفه و ...که هر یک موضوع علم خاصی و تشکیل دهنده میلیاردها میلیارد اسرار است .

البته آنچه را که می بینیم عبارت است از ظاهری از بدن و جسم ، ولی قوای کارگردان این جسم که عبارت است از روح و عواطف و وجدان و اندیشه و اخلاق ، و هزاران قدرت نامرئی ، که در هیچ لابراتواری قابل تجزیه و با هیچ میکروسکپی قابل رؤیت نیست ، برای ما قابل شرح و درک نمی باشد .

تنها در برابر این دستگاه باعظمت بدن و روح و نفس که قرار می گیریم پی به این مسئله می بریم که این نظام عبرت آور را ناظم و صاحبی است « خدا » نام ، و باید با کمال خضوع و خشوع در برابر این همه نعمت که به ما ارزانی داشته در مقام سپاسگزاری برآمده و از عمق جان فریاد بزنیم :(اَلْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمین) .

اَلْرَّحمنِ الرَّحیم

با اینکه این دو لفظ در آیه شریفه « بسم اللّه » بود ، ولی تکرارش بعد از « ربّ العالمین » لطف مخصوصی دارد ، که ربوبیّت حق از جهت قهر و غلبه و فشار بر موجودات نیست ، بلکه از جهت رحمت عام و خاص است ، که موجودات در پرتو این دو حقیقت پرورش می یابند و هر مربی و معلم و حاکمی آن

گاه تربیتش به ثمر می رسد که با مهر و محبت باشد و نظام تربیت خلق با خالق و انسان و جهان هماهنگ شود .

این اتصال ربوبیت حق نسبت به موجودات و بخصوص انسان ، که اتصالی است دائم و همیشگی و شامل زندگی دنیا و آخرت ، نه بر سبیل قهر و غلبه بلکه از راه عنایت و لطف و مرحمت و محبت است . پس مدح و شکر آن وجود مقدس ، در حقیقت پاسخگویی به ندای فطرت در برابر رحمانیت و رحیمیت اوست .

مالِکِ یَومِ الدین

انسان دارای گوهر پربهای آزادی و اختیار است . آزادی و اختیار داشتن در نیت و عمل ، بهترین علت برای ارزش پیدا کردن حالات باطن و حرکات ظاهر است . چنانچه اراده و عمل به مقتضای قواعد فطری و خدایی و وجدانی از انسان صادر گردد ، مقتضی اجر و مزد و ثواب عالی است ، و اگر نیت و عمل بر مبنای صحیح صادر نگردد ، چون ظلم به خود و دیگران است ، مقتضی عذاب و عقاب است .

علت ثواب و عقاب همین آزادی در نیت و عمل است ، و این را نه فقط شرع و شارع حق می داند بلکه عقل و منطق و حکمت و فطرت هم قضاوتش همین است ، که موجود آزاد باید در برابر نیکی و اخلاص پاداش ، و در برابر بدی و نیت سوء عقاب و عذاب ببیند .

به همین خاطر حضرت حق روزی را به نام « روز دین » برای پاداش نیکوکاران و عذاب بدکاران قرار داده و زمام تمام امور آن روز را به

دست با قدرت خود می داند : « مالِكِ یَوْمِ الدین » .

در اینجا این پرسش مطرح می شود : مگر خداوند مالك هر روز نیست ؟ مگر جزای عمل نیك و بد مخصوص به دنیای دیگر است ؟ مگر انسان در همه لحظات ، چه از طریق وجدان و چه از طریق عکس العمل عمل خویش ، در دنیای درون و برونش در معر پاداش و عقوبت نیست ؟

باید گفت : چرا ، خداوند مالك همه لحظات است و آدمی هم در برابر هر عمل نیک و بدی بلافاصله در معرض اجر و عقوبت است . به هنگام کار نیک انبساط درون برایش حاصل می شود ، و این خوبی و نیکی برای او در بیرون عامل کسب آبرو و اعتبار اجتماعی می گردد ، و به وقت کار بد گرفتار تازیانه وجدان می شود و عکس العمل اجتماعی خطرناکی برای او حاصل می گردد . ولی این اجر و عقوبت نسبت به عملی که داشته کامل نیست بلکه نسبی است . به علاوه ، در برابر بعضی از اعمال راه فرار از عقوبت دارد ، و از طرفی چه بسا که انسانی سراپا نیکوکار باشد ولی در دنیا به مزد واقعی اش نرسد .

در این زمینه به حیات پربرکت انبیا و ائمه و عاشقان راه حق نظر کنید که سراسر مثبت بود ، و در برابر مخالفان چه زجرها و مصائبی که به آنان وارد نشده و عاقبت هم بدون رسیدن به اجر و مزد متناسب با ایمان و اعمال و اخلاق الهی خود از دنیا رفتند . همچنین به حیات ننگین ستمکاران

تاریخ توجه کنید که بدون چشیدن کمترین غذایی در برابر آن همه جنایت در کمال راحت و آسایش جان دادند .

پس روز دیگری لازم می آید که در آن روز ، نیکوکاران به پاداش واقعی ، و بدکاران به جریمه حقیقی خود برسند و کسی جز حضرت حق دخالتی در آن روز نداشته باشد و مجرم برای فرار عقوبت راهی پیش پای خود نبیند ، و آن روز به نام روز دین نامیده شده و احدی جز حق در اوضاع آن روز دخالت ندارد و این همه مفهوم آیه شریفه « مالِكِ يَوْمِ الدين » است .

قرآن مجید متجاوز از هزار آیه در تجزیه و تحلیل روز جزا دارد که گوشه ای از آن روز را در آیات اول سوره غاشیه چنین می خوانیم :

* آیا سخن روز فراگیرنده به تو نرسیده ؟ در آن روز چهره هایی بی اعتبار و ورشکسته و ترساننده ، زیرا در دنیا بیهوده کار کرده و عبث رنج برده اند . اینان به آتشی سوزان می رسند و از چشمه ای بسیار داغ و جوشان چشانده می شوند . در آنجا غذایی بجز خار سخت ندارند که آن غذا فربه و سیرشان نمی کند . و کسانی که در آن روز در نعمت اند و از کوشش خویش خوشنود . در بهشت برین هستند که در آنجا یاوه و بیهوده نمی شنوند ، و در آن چشمه سارهایی روان باشد و تخت های رفیع و قدحهای آماده و پشتیها و فرشهای گسترده برای استراحت .

و نیز گوشه ای از آن روز را در سوره مبارکه ذاریات بدین صورت قرائت

می کنیم :

* مرگ بر دروغگویان ! همان کسانی که در گردابی از بی خبری هستند . می پرسند رستاخیز و روز پاداش چه وقت است ؟ روزی که به آتش درافتند و درگیر شوند . عذاب خود را بچسید . این است آن چیزی که به شتاب طلب می کردید . به راستی پرهیزکاران در باغات و جشمه سارها دریافت کننده بخشش پروردگار خویش اند . اینان در دنیا نیکوکار بودند ، کمی از شب را می خوابیدند و سحرگاهان با راز و نیاز از خداوند آمرزش می خواستند و از درآمد و دسترنجشان برای مستمندان و بینوایان سهمی قرار می دادند .

اِیّاکَ نَعْبُدُ وَ اِیّاکَ نَسْتَعین

عبادت و بندگی مفهوم وسیع و گسترده ای دارد که خضوع و تواضع و به خصوص تسلیم در این مفهوم قرار گرفته و یا لازمه آن است .

انسان وقتی از برکت تفکّر و اندیشه به ربوبیّت و مالکیّت و رحمت و محبّت بی پایان ناظم و مدبّر و معمار هستی پی برَد ، هیچ گاه تسلیم غیر او نمی شود و بند بندگی دیگران را به گردن نمی نهد .

انسان وقتی به این معنا واقف شود که جز حضرت الله وجودی بالاستقلال در دار هستی نیست ، چه معنا دارد که غیر او را مورد پرستش قرار دهد ؟

غیر اگر جماد است جزئی است کوچک از اجزاء هستی . اگر حیوان است موجودی است ناچیز در گوشه ای کوچک از عرصه گاه حیات . اگر انسان است فقیر و نیازمند و دردمند و مستمندی است چون خود شما . پس جایی برای پرستش و اطاعت و عبادت غیر

نمی ماند ، که روی آوردن به غیر عین کفر و شـرک و درحقیقت بت گرایی و بت پرستی است و عبادتی که جز ضـرر و خطر چیزی عاید زندگی انسان نمی کند .

این عبـادت واقعی که بـا جمله « اِیّاکَ نَعْبُدُ » در نماز اعلام می شود ، عبارت است از به اجرا گذاشـتن تمام دسـتورهای حق و پیامبران و امامان و فقیهان واجد شرایط و کناره گیری از محرّمات و آنچه حضرت حق بر انسان نمی پسندد .

بی شک ، پیمودن راه عبادت صحیح بدون رفع موانع ، و رهایی از قید و بند اوهام و مکتبهای غلط ، و آزادی از هوی و هوس ، و سرپیچی از اوامر و نواهی طاغوت و طاغوتیان امکان ندارد .

انسان با این عجز و فقری کهخ دارد ، بدون کمک خواهی از خداوند نمی تواند با این همه موانع به مبارزه برخیزد . این اسـت که در راه عبادت بایـد از خدا کمک خواست تا اموری مادی و معنوی را برای جبران ضـعف و ناتوانی انسان با او همراه کند ، و البته توجه به پروردگار و کمک خواهی از حضرتش ، در حقیقت جلب کشش و لطف و دستگیری اوست .

اِهْدِنا الصِراطَ الْمُسْتَقیم

هدایت ، راهنمایی با مهر و محبت و صلاح است به سوی مطلوب و مقصود ، و آن بر چند نوع است :

هدایت طبیعی یا تکوینی که شامل کلیه موجودات کیهانی و عناصر عرصه گاه شگفت انگیز آفرینش است .

هدایت غریزی و احساسی که مخصوص موجودات جاندار و یا شامل موجودات صاحب نَفْس است .

هدایت وجدانی ، عقلی ، احساسی ، دینی که

شامل انسانهاست ، و هدایت دین کامل ترین هدایت برای آدمی است که او را به سوی سعادت دنیا و آخرت سوق می دهد .

عبده مفسّر مصری می گوید : در آیه شریفه (وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ)(۷) به انواع هدایت نسبت به انسان اشاره دارد : ما انسان را به سوی دو راه آگاهی دادیم : راه خیر ، راه شر . راه سعادت ، راه شقاوت .

حضرت حق از طریق دین ، عقل ، وجدان و احساس انسان را از دو راهی که در برابر اوست آگاهی داده و به خیر و شرّ و سعادت و شقاوت هدایت می کند .

« صراط » جاده عمومی رو به خیر است و موصوف شدنش به مستقیم اسراری دارد که از حوصله این رساله خارج است .

« صراط مستقیم » در برابر هر راه کجی است که راهروش را به خزی دنیا و عذاب آخرت دچار می کند .

صراط مستقیم در حقیقت عبارت است از راه دین ، مرز حق ، راه عدل ، و حوزه و حدود مقررات الهی که در قرآن و سنت ترسیم شده و اجرای آن مقررات آدمی را به قرب حق رهنمون گردیده و از فیض و عنایت و رحمت الهی در دو جهان بهره مند خواهد کرد .

انسانی که می خواهد در این راه پیش برود ، باید مجذوب و منطبق با محیط و محکوم آن نگردد و پیوسته محیط فکری و روحی خود را تغییر دهد و در خط مستقیم ، که همان دین خداست و ضامن خیر دنیا و آخرت ، قرار گیرد ، و از انحراف بیندیشد

چون پیوسته در معرض گمراهی و غفلت است و این دعا و درخواست را هم « اهـدنا الصـراط المسـتقیم » همیشه به یاد داشـته باشد تا خود مشمول عنایت و مشیّت مخصوص مبدأ کمال و هستی گردد .

صِراطَ الَّذین اَنْعَمْتَ عَلَیْهِم

راه آنان که نعمت به آنها عطا شد چه نعمت مادی و چه معنوی و همه آن نعمت ها را در راه سیر در صـراط مسـتقیم به عنوان توشه راه مصرف نمودند ، که قرآن مجید در آیه ۶۹ سوره نساء این بزرگواران را انبیا و صدیقین و شهدا و صالحین معرفی می کند .

مراجعه به قرآن مجید شما با دارندگان نعمت حق نعمتی که در این قطعه از نماز یاد شده است آشنا می سازد و آنان را که در این قطعه از نماز یاد شده است آشـنا می سازد و آنان را که باید در تمام شؤون زندگی اسوه شـما باشند با شما معرفی می کند تا بدانید راهروان راه مستقیم چه انسانهایی بودند و در ایمان و اخلاق و عمل از چه موقف عظیمی بهره داشتند .

غَیْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَیْهِمْ

غضب شدگان مردمی هستند که با شناخت حق و یافتن راه ، به عناد و لجاج و دشمنی برخاستند و مسیری غیر راه الهی انتخاب کردند ، که با کمک آیات قرآن می توان گفت مصداق اتمّ این جمله یهودند که دانسته راه خطا می روند و به انواع آلودگی ها و مفاسد و جنایات دچار هستند .

مطالعه وضع حزب پلید صهیونیسم و اوضاع اسرائیل نشان دهنده این معناست که این گروه دچار غضب حق اند .

آری ! اخلاق و اعمال و رفتار و حرکات و آثار باطنی و ظاهری انسان نشان دهنده جهت گیری حق نسبت به آدمی است .

وَ لاَ الْضالین

آن مردمی که کـج فهم هسـتند ، دین را غلط یافته و برای خود راه خدا را تفسـیر می کنند و مسـیر کمال را در آنچه خدا نمی پسندد می انگارند و برای شناخت حق ، سر از معیار و میزان برتافته و آنچه می خواهند انجام می دهند .

مصـداق روشن گمراهی ، نصاری هسـتند ، و شایـد توجه به غرور علمی و صـنعتی آنان به خصوص در این روزگار شـما را به این معنا رهنمون شود که اینان مسـیر را آن می پندارند که با تکیه بر دانش و صنعت خود ترسیم می کنند و به راه خود ساخته و یا به آنچه که از دین به رأی خود تفسیر می کند عمل می نمایند .

البته غضب شدگان و گمراهان فقط یهود و نصاری نیسـتند بلکه هر قشر و طایفه ای که از راه خدا جدا باشد و سر از معیارهای الهی برتابد ، به نسبت شدّت و ضعف وضعش مغضوب

و گمراه است .

بی تردید ، اگر نمازگزار داری اخلاق و عمل یهود و نصاری و مردم منحرف باشد ، مغضوب و گمراه است .

علامت اتّصال به نماز حقیقی ، داشتن آثار و صفات انبیا و صدیقین و شهدا و صالحین است .

امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) جمله « اِهْدِنا الصِّراط » را بدین گونه توضیح می دهد

* آن توفیق که در گذشته روزگار ما را به پیروی از تو موفق کرد پیوسته دار تا در آینده هم از تو اطاعت کنیم .

حضرت صادق (علیه السلام) در ترجمه این آیه می فرماید :

* ما را به ملازمت راهی رهنما باش که به دوستی تو و به بهشت رساند ، و از هواها و آرایی که ما را دچار رنج می گرداند باز دار .

از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت شده که صراط مستقیم یعنی قرآن .

از امام ششم (علیه السلام) آمده که صراط مستقیم یعنی معرفت امام .

روی هم روفته ، در سوره مبارکه حمد آثار مهمی از قبیل توحید ، نبوت ، امامت ، معاد ، حقوق حق و خلق ، اتکای با الله ، دلالت به راه خدا ، و نفی بت و بت پرستی به چشم می خورد ، که نمازگزار در این سفر و معراجی که دارد باید به تمام زوایایش با تمام وجود توجه کند ، تا با خواندن یک نماز واقعی ، به تمام آن حقایق آراسته گردد .

بِسْمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحیم

ترجمه و توضیح این آیه شریفه در صفحات قبل از گذشت .

قُلْ هُوَ اللّه

حقیقت عبادت ، اظهار بندگی و خضوع و خشوع قلبی و شکر انعام و احسان است .

باتوجه به این معنا ، پرستش به معنای جامعش جز در برابر مولا و پروردگار و اربابی که واقعاً جمیع نعمت ها از اوست جایز نیست .

وجود مقدّسی را باید عبادت کرد که ما را وجود بخشید و پرورانده و روزی داده است .

وجود مبارکی را باید عبادت کرد که آفریدن ، خلق کردن ، حیات دادن ، شعور بخشیدن و روزی دادن وقف حریم مقدّس اوست .

خداونـدی که دارای علم و قـدرت ، حکمت و سـطوت ، رحمت و محبت است و نشـانه هـا و آثار قـدرت و حکمتش در همه کائنات و مخلوقات دیده می شود .

قدرتش بی نهایت ، و علم و حکمتش کامل ، و رحمت و لطفش بر تمام زوایای هستی اشراف دارد .

قدرتی است بدون ضـعف و علی است بدون جهل و خلاصه وجودی است مسـتجمع جمیع صـفات کمال ، که این همه از لفظ اللّه فهمیده می شود .

اَحَد

وجـود مبـارک و مقدّسـی که به هیـچ صورت قابـل تعـدد و کـثرت نیست و به قول حضـرت امیر (علیه السـلام) : وحـدت حق وحدت عددی نیست ، زیرا واحد یعنی بیشتر از نصف و کمتر از دو ، و چنین معنایی بر خدا روا نیست .

واحد بودن خدا یعنی بی جزء و بی شریک و بی مانند بودن او ، که حضرت او در ذات و افعالش یگانه است .

بنابراین ، « اللّه » بر همه صفات ثبوتیّه و کمالیّه از علم و قدرت و حیات و ادراک و تدبیر دلالت می کند

، و لفظ « احـد » منزّه بودن خداونـد را از صـفات سـلبيّه و از نقص و عيب می رسانـد و می فهمانـد که جسم نيست ، مرکت و حادث نيست ، حلول کننده در چيزی نيست ، و مانند و شريک و ضدّ و ندّ برای او نيست .

اَللّهُ الصَّمَد

آقای بزرگواری که تمام موجودات هستی در تمام نيازها روی به سوی او دارنـد و به او تکيه کننـد و بدو توجه نمايند و بدون او کاری انجام نگيرد .

به قول حضـرت سيّد الشّهداء و امام سجّاد و حضرت باقر و حضرت صادق (عليهم السلام) کسی که آقايی و بزرگی و شرف و سيادت در او در نهايت کمال است ، کسـی که دائم و هميشـگی است و هماره بوده و خواهـد بود ، فرمانروای بزرگی که فوق او امر دهنده و نهی کننده نيست و قائم به ذات و بی نياز از غير است .

مرحوم عّلامه مجلسـی در مرآه العقول که از مهمترين کتب علمی و فنّی شـيعه است در تفسـير حـديثی از اصول کـافی در اين زمينه می فرمايد :

* صمد در حقيقت ، عبارت از وجوب وجود و بی نيازی مطلق او ، و احتياج عموم کائنات در جميع امور به اوست .

يعنی مبـدأ کـل و مرجع عموم و پناهگـاهی که هر کس هر حـاجتی دارد و هر چه بخواهـد او قادر به انجام حاجت و بخشـيدن خواسـته اش هست و از آنچه همگان نياز به آن دارنـد چيزی را فاقـد نيست و سـزاوار است که همه کس به خشوع و پرسـتش متوجّه او شوند .

لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ

نزاده است و زاده نشـده . و ترديـدی نيست که اگر خداونـد فرزندی بزايد ، لازمه اش اين است که خود از ديگری طبق قوانين طبيعی زاده شده باشد و اگر از ديگری زاده شده باشد ، محدود می شود . يعنی ازلی نخواهد بود و پيش از ولادت نبوده و بعد به وجود آمده ،

و چنین موجودی نمی تواند خدا باشد .

این قطعه از نماز ردّ بر تمام مشرکان و اهل کتاب است ، زیرا آنان مدّعی فرزند داشتن خدا بودند .

مشرکان فرشتگان را دختران خدا می پنداشتند ، و یهود عُزَیر را و نصاری مسیح را پسر خدا می دانستند . این است که بر ردّ عقاید آنان فرمود : خداوند نزاییده و نه پسر ، نه دختر و نه چیز دیگر ، و بعد چون اینان برای همین پسران مقام خدایی قائل شده و به پرستش آنان پرداختند می گوید : خدا نمی شود زاییده شده باشد ، پس عیسی که زاییده شده از مریم است خدا نیست .

وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً اَحَد

و هیچ کس همتا و همانند و برابر او نیست ، چون تمام موجودات در همه برنامه هایی که دارند محدودند ، و او در ذات و صفات بی نهایت در بی نهایت است و کسی را در هیچ برنامه ای یارای برابری با او نیست بلکه تمام موجودات متکی به اراده و قدرت حضرت او هستند .

سُبْحانَ رَبِّیَ الْعَظیمِ وَ بِحَمْدِه

رکوع همراه با این ذکر ملکوتی و آوای روحانی رکنی بزرگ از ارکان نماز و نشان دهنده تواضع عبد نسبت به حق است .

رکوع به این معناست که : ای مولای من و ای آقای کریم ! اینک بنده ات در برابرت سر فرود آورده و برای پذیرفتن تمام دستورهای تو آماده است ، و خم شدنش به این معنا است که آنچه بار مسؤولیت اراده داری برای گرده اش بگذارد .

حضرت صادق (علیه السلام) می فرماید :

* اگر نمازگزار حق رکوع را اینچنین بجای آورد ، خداوند بزرگ دلش را به نورانیتِ بهاءِ خود منور کند و خانه قلبش را به آن نور زینت دهد .

رکوع کننده باید در رکوع محو عظمت دوست شود و غیر او را حقیر و کوچک ببیند . خداوند مهربان چنین رکوع کننده ای را که متصف به خشوع و خضوع است در سایه بزرگواری خود جای دهد و او را به لباس برگزیدگان از اولیایش بیاراید .

حضرت در ادامه سخنانش می فرماید :

* رکوع کن اما با قلبی که از خشوع نسبت به حق ، یعنی بیم و ترس از او ، پر باشد مانند ترس آن کس که گردنش زیر شمشیر قرار دارد . در حال رکوع ، اعضا

و جوارحت را از حرکات بیهوده باز دار تا از فواید رکوع راکعین بهره مند شوی .

بـه هنگـام رکـوع بـه ماننـد حـال حمـد و سـوره ، دل از وسـوسه و فریـب شـیطان دور دار ، زیرا خداونـد هرکس را که عجز و انکسارش بیشتر باشد ، عزّت بیشتر می دهد و بی تردید راه یافتن به منزل تواضع و خضوع و فروتنی و بیم و ترس از مقام حق ، به اندازه آگاهی انسان نسبت به عظمت و جلال مولاست .

هر چه معرفت بیشتر باشد ، تواضع و فروتنی به آن آستان بیشتر است . اینجاست که پس از یافتن کوچکی جهان و موجوداتش و توجّه به عظمت بی نهایت در بی نهایت مولا ، یک مرتبه در حال رکوع فریاد برمی داری : « سُبْحانَ رَبّیَ الْعَظیمِ وَ بِحَمْدِه » .

منزّه از هر عیب و نقصی است مالك و پرورش دهنده بزرگ من ، و من به کمك و یاری او سپاسش می گزارم و حضرتش را آن طور که حق اوست می ستایم .

سَمِعَ اللّهُ لِمَنْ حَمِدَه

این جمله را پس از سر برداشـتن از رکوع ، در حـال اسـتقرار بـدن به زبان جاری می کنی که : خـدای من شـنوا و پاسـخگوی سپاس و ستایش من است .

سُبْحانَ رَّبی الْأَعْلی وَ بِحَمْدِه

سجود منتهای فروتنی و افتادگی عبد است در برابر معشوق حقیقی . و چه بهتر که ترجمه و توضـیح سجود را نیز هماننـد رکوع از حضرت صادق (علیه السلام)بشنویم :

* زیانکار نیست و با زیانکاران محشور نمی شود کسـی که حق سـجده را اگر چه در تمام عمر یك بار بجای آورده باشـد ، و رسـتگاری ندارد کسـی که در حال سـجود با حبیبش حلوت کند . ولی از واقعیّت و حقیقت برنامه دور باشد ، سجده کند ولی خود را گول بزنند ، سـجده کند اما از بشارت الهی نسبت به بندگانش که سعادت در دنیا و بهشت در آخرت است غافل بماند .

دور نیست که عنایت دوست آن بنده ای که از کانال سجده خود را به مقام قرب می رساند و به عمل و کار خود توجه دارد و بساط کبریایی را با سـجده می بوسـد و می دانـد که سـتایشِ چه وجود مقدسـی را به زبان جاری می کند ، و چه دور است از لطف محبوب آن کس که در سـجده غافل از اوست و ادب و آداب سـجده را رعایت نمی کنـد و به جای متـذکر شدن حق و حقیقت ، غافل می ماند و حرمت مولا را نگاه نداشـته و دل به غیر او می بندد . آری ، سجده کن اما در نهایت تواضع و ذلت ، سجده ای که آگاهی و شعور آن را

همراهی کنـد . آگاهی به اینکه خاکی که پیشانی بر آن داری و هزاران پای بشـر و موجود زنـده غیر بشـر بر آن گذاشـته شده مـاده اصـلی آفرینش تـوست . همین خـاک بود که تبـدیل به نطفه وجود تو شـد ، نطفه ای که همه از بویش فرار می کردنـد . آری ، ذرّه ای گمشـده در جهان خاک بودی ، او با لطف و کرم خودش به وجودت آورد ، و همین جسم و بدن را که ساخته و پرداخته است دوباره به خاک برمی گرداند و آن گاه برای جزا دادن از همین خاک تو را به قیامت خواهد کشید .

سجود را برای این قرارداد که بـا دل و جـان و همه حواس و قوا در مقام و عظمت او فانی شود و جز او کسـی را نبینی . آری ! هر چه به او نزدیک شوی از غیرش دور گردی . همچنان که در حال سـجود دیـده ات چیزی را نبینـد ، بایـد دلت نیز چیزی را نبینـد . تأسف باد بر کسـی که در نماز و به خصوص در سـجده دل در گرو غیر دارد ، و در حقیقت به غیر دوست نزدیک می شود و از حضرت محبوب دور می گردد !

در قرآن مجیدش فرموده :

* « برای کسی دو دل قرار ندادیم » تا با یک دل رو به خدا باشد و با دل دیگر متوجه غیر .

آری ! یک دل است و باید روی آن متوجه یکی باشد : خدا و بس .

رسول الهی می فرماید :

* دلی که متوجه اوست ، همو متکفل صاحب اوست . کسی

که در نماز مشغول به غیر خداست ، خود را مسخره کرده و در زمره زیانکاران است .

پس از اینکه هفت موضع بر زمین قرار گرفت و دل و جان در گرو عشق معشوق رفت ، از شدت اتصال فریاد عاشقانه از قلب و زبان برمی آید که : « سُبْحانَ رَبِّیَ الْاَعْلی وَ بِحَمْدِه » .

آری ! از هر عیب و نقص منزه و پاك است صاحب و پرورش دهنده اعلای من ، و این منم که به کمك او به ستایش و سپاسگزاری مشغولم .

سُبْحانَ اللّهِ وَ الْحَمْدُ لِلّهِ وَ لا اِلهَ اِلاّ اللّهُ وَ اللّهُ اَکْبَر

این جملات زیبا و ملکوتی در رکعت سوم و چهارم خوانده می شود . معنای « سُبْحانَ » در توضیح رکوع و سجود ، و تفسیر « اَلْحَمْدُلِلّهِ » در حمد و سوره و « اَللّهُ اَکْبر » در ابتدای نماز گذشت .

اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلاَّ اللّهُ وَحْدَهُ لاشَریکَ لَه

پس از کسب آن همه معرفت از برکت توجه به تکبیره الاحرام و حمد و سوره و رکوع و سجود ، اکنون وقت آن است که تمام هستی نمازگزار به یگانگی و وحدانیت حضرت او شهادت دهد که معبودی جز او نیست و برای او شریکی وجود ندارد . اقرار به توحیدی که دارای سه رکن اساسی است : توحید در عقیده و ایمان ، توجید در ابلاغ ، توحید در عمل و حرکت .

وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَداً عَبْدُهُ وَ رَسوُلُه

بعثت و رسالت انبیا در بین مردم به این خاطر بود که فرهنگ سعادت بخش حق به مردم ارائه شود ، و انسان ها در عقیده و عمل همانند انبیا رشد کنند .

قواعد تربیت و تکامل و رشد و سعادت برای رسیدن به دست مردم کانالی جز بعثت انبیا ندارد .

اقرار به نبوّت انبیا و به خصوص خاتم پیامبران ، و پیروی از دستورهای او و نفی هر فرهنگی که ضدّ فرهنگ اوست ، لازمه ایمان و تحقّق نماز واقعی است .

اَللّهُمَ صَلِّ عَلی مُحَمَد وَ آلِ مُحَمَّد

الهی ! بر چنین پیامبر بزرگی که بیست و سه سال مبلغ رسالات تو بود ، و بر آلش که هموزن قرآنند و در چهره امامت مسیر رسالت را پیمودند ، درود فرست و لطف خاص خود را شامل این راهنمایان راه توحید و نجات دهنده بندگانت فرما .

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّها النَّبِیُّ وَ رَحْمَهُ اللّهِ وَ بَرَکاتُه

در پایان این سفر ، که ملکوتی ترین سفر انسان به سوی خداست ، آنچنان فکر و روح اوج می گیرد که آدمی خود را در برترین مقام معنوی مشاهده می کند و بین خود و خاارواح مقدّسه جدایی و فاصله نمی بیند . اینجاست که برای سلام به پیامبر

بزرگ هیچ نیازی به ضمیر غایب احساس نمی کند . جدایی وجود ندارد که بگوید « اَلسَّلامُ عَلَیه » ، بلکه مقام ، مقام قرب و یگانگی و حضور و مشاهده است . نمازِ با شرایط ، انسان را با رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) روبرو می کند و در این رو در رویی است که نمازگزار می گوید : درود بر تو ای پیامبر رحمت ! و برکت خدا بر تو ای صاحب رسالت !

اَلسَّلامُ عَلَیْنا وَ عَلی عِبادِ اللّهِ الصّالِحین

شایستگان از عباد خدا ، آن مردمی هستند که دل آنان آیینه انعکاس توحید است . یکتا نگر ، یکتا گو و یکتا شناسند و در عمل جز به فرمان مولا نباشند .

اینان واجد تمام کمالات ایمانی و اخلاقی و عملی اند . وجودشان منبع برکت ، و نسبت به دیگران چراغ هدایت اند . نوربخش به زندگی و فروغ جاوید تاریخ حیاتند . اگر اینان نبودند صفحات تاریخ حیات آبرو نداشت . قرآن مکرر از اینان به عنوان دارندگان ایمان ، هدایت ، نماز ، زکات ، حج ، روزه ، تولّی ، تبرّی ، امر به معروف ، نهی از منکر ، بیداری شب ، خدمت به خلق ، جهاد همه جانبه ، محبت به مردم ، رعایت یتیم ، دستگیری از افتاده ، اطاعت

از خدا و پیامبر ، و امام ، رعایت حقوق پدر و مادر و اقوام ، باطن پاك ، تلاوت قرآن ، راستی ، درستی ، امانتداری ، نظم ، کظم غیظ ، حق جویی ، پاکی و ...یاد کرده است .

اینجا که نمازگزار می خواهد بگوید سلام بر ما و عباد شایسته ، باید توجه داشته باشد که خود را از اوصاف عباد صالح بی بهره نباشد که خدای ناخواسته از معنویت نمازش کاسته شود .

اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللّهِ وَ بَرَکاتُه

در نقطه پایانی این سفر ملکوتی و پیوند آسمانی است که تمام پرده ها و فاصله ها و جداییها بین انسان و رسول اکرم و عباد شایسته و صالح و ملکوت داشته شده و انسان فقط ناظر و حاضر پاکان و پاکیهاست و بین او و وا واقعیتها هیچ مانعی وجود ندارد .

راستی نماز چه قدرت آفرین است ، چه رشته اتّصال عجیبی است ، چه دنیایی است ، چه سفر پر خیر برکتی است . قدرت پرواز انسان در نماز چه اعجاب انگیز است . آدمی را از همه پستیها و آلودگی ها جدا کرده و به اوج رفعت و عظمت می رساند ، آنجا که انسان فقط رویارویی با انبیا و عباد صالح و ملائکه حق است ، که در این رویارویی و برخورد ، واجب شده انسان به همه آنها سلام کندو درود فرستد ، آن هم سلام خطایی نه سلام غایبانه :« اَلسَّلامُ عَلَیْکُم » .

حضرت صادق (علیه السلام) در توضیح سلام پایان نماز می فرماید :

* حقیقت سلام در پایان هر نماز ، اعلام ایمنی از عذاب خداست .

و اشارت بر اینکه هر کس

به ادای حق حضرت معبود برخیزد و واجبات الهی و سنن خدایی را با رعایت شرایط و با کمال خضوع و خشوع بجای آورد ، از خِزْی دنیا و عذاب آخرت در امان است .

سلام نامی است از نامهای خداوند که آن را در بندگان خود به امانت گذاشته و مفهوم آن عبارت از عدم میل از حق به باطل است .

این عدم میل ، و در حقیقت حفظ درستی و سلامت ، باید در تمام معاملات و روابط و برخوردهای اخلاقی به وسیله همه مردم رعایت شود .

هر انسانی در تمام شؤون حیات باید از انسان نمازگزار در امان باشد .

سلام ، به حقیقت ، عبارت است از رعایت عدل و انصاف و پرهیز از ظلم و ستم به وقت بخورد با مردم . رعایت این حق امانت آن وقت به ظهور می رسد که نمازگزاران با یکدیگر از سر صدق و آشتی و محبت و عشق در آیند و از مکر و حیله و خیانت و غَدْر و دغلی بپرهیزند .

حضرت صادق (علیه السلام) گفتار خود را این چنین ادامه می دهد :

* اگر می خواهی سلام به جای خود قرار بگیرد و یا به مقتضای آن عمل شود ، از خدا بترس و از کردار ناپسند و اعمال خلاف کناره گیری کن ، عقل و دین و دل را از کدورت و تیرگی معاصی برکنار دار ، ضبط کنندگان اعمال خود را که کرام کاتبین هستند با کردار ناپسند آزار مده و آنان را در رنج و ناراحتی و وحشت مبر ، چنان زندگی کن که دوستان و رفقا و تمام مردم

از تو در سلامت باشند ، و با دشمن با عدل و داد رفتار نمای ، که اگر کرام کاتبین و نزدیکان و دوستان از تو در امان نباشند وای به حال دیگران

هر کس به مقتضای سلام رفتار نکند یعنی وجودش برای خود و دیگران منبع سلامت و پخش امان نباشد در سلام کردن دروغگو است ، فرقی ندارد که در نماز سلام بدهد یا در غیر نماز سلام کند .

الهی ! به لطف و کرمت و به آبروی عاشقان جمالت و به عارفان شوریده بر بساطت ، ما را در این سفر معنوی و سیر و سلوک ملکوتی کمکٔ کن تا به معراج قرب نایل گردیم و به ملکوت غیب اتّصال پیدا کنیم و موفّق به نمازی شویم که انبیا و امامان و اولیایت به آن نایل شدند .

جامی شاعر معروف درباره نماز امام عاشقان و مولای عارفان و سر حلقه مجاهدان می گوید :

شیر خدا شاه ولایت علی صیقلی شرکٔ خفیّ و جلی

روز اُحد چون صف هیجا گرفت تیر مخالف به تنش جاگرفت

غنچه پیکان به گل او نهفت صد گل محنت ز گل او شکفت

روی عبادت سوی محراب کرد پشت به درد سر اصحاب کرد

خنجر الماس چو بنداختند چاکٔ به تن چون گلش انداختند

غرقه خون غنچه زنگارگون آمد از آن گلشن احسان برون

گل گل خونش به مصلّی چکید گشت چو فارغ ز نماز آن بدید

اینهمه گل چیست ته پای من ساخته گلزار مصلّای من

صورت حالش چو نمودند باز گفت که سوگند به دانای راز

کز الم تیغ ندارم خبر گر چه ز من نیست خبردارتر

طایر من سدره نشین شد چه باکٔ گر

شودم تن چو قفس چاک چاک

جامی از آلایش تن پاک شو در قدم پاک روان خاک شو

شاید ازین خاک به گردی رسی گرد شکافی و به مردی رسی

از بزرگان دین شنیده ام که آخوند ملاّ محمّد کاشی که از اساتید بزرگ حکمت الهی در اصفهان بود ، و نیز مرحوم آیت اللّه آقا سیّد محمّد باقر دُرچه ای از اول نماز تا پایان سلام یک لحظه از گریه شدید و ریختن اشک از شوق و هیبت حق متوقّف نبودند .

آیت اللّه العظمی بروجردی(رضی الله عنه) که خود در نمازش شرکت کردم ذکر رکوع و سجود را در عین کهولت سن ، هفت بار با حالتی خاضعانه و خاشعانه تکرار می کردند .

صفوان بن یحی از اصحاب حضرات رضا و جواد و هادی (علیهم السلام) بود روزه و نماز عمر خود و دو نفر از دوستانش را در عین اینکه بجا آورده بودند قضا کرد .

حضرت آیت اللّه حاج سیّد احمد خوانساری که بیش از نود سال عمر کرد سه بار معادل ۲۴۰ سال نماز عمر خود را تکرار کرد ، در عین اینکه تمام نمازهای یومیه اش را از قبل از به تکلیف رسیدن با شرایط بجا می آورد .

مرحوم حاج آقا حسین فاطمی که از اساتید اخلاق حوزه عملیه قم بود ، از استاد خود مرحوم ملکی تبریزی مسائل عجیبی نقل می کرد ، از جمله فرمود در روز عید قربان اول ظهر در حالی که اشک از دیده می ریخت با گفتن تکبیره الاحرام به سوی قرب جانان به پرواز درآمد .

حضرت امام خمینی (قدس سره) از عبّاد و زهّاد زمان

بود . او در عین انواع گرفتاری های اجتماعی و سیاسی برای یک بار از رسوم عبادات واجب حتّی مستحباتش کاسته نشد .

سیّد محمّد باقر حجه الاسلام معروف به شفتی تمام نمازهای خود را با خضوع و همراه با گریه و ناله می خواند و حتّی ذکر رکوع و سجود را در نمازهای مستحب سه بار می گفت

شیخ انصاری معروف به شیخ اعظم از سنّ بلوغ تا آخر عمر عباداتی که انجام می داد ، گذشته از فرایض و نوافل شبانه روزی و ادعیه و تعقیبات ، عبارت بود از : قرائت یک جزء قرآن ، نماز جعفر طیّار ، و زیارت جامعه و زیارت عاشورا در هر روز .

حکیم سبزواری هر شب در زمستان و تابستان و بهار و پاییز می پرداخت و هر شب از اول شب به مقدار سه ساعت خدا را بندگی می کرد .

این برنامه ها نمونه ای بود از عبادات آنان که دارای مقام نبوّت و امامت نبودند ، عبادات انبیا و امامان چگونه بود خدا می داند !

پاورقی

۱ شعراء (۲۶) : ۸۸ ۸۹ .

۲ وسائل الشیعه : ۱ / ۳۳ ، باب ۵ .

۳ اعراف (۷) : ۱۷۹ .

۴ اعراف (۷) : ۵۶ .

۵ کشف الاسرار : ۱ / ۲۹ .

۶ تفسیر کبیر : ۲۲۹ .

۷ بلد (۹۰) : ۱۰ .

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹